

۹

## نشانهٔ یک کلیسای سالم

نویسنده: مارک ای. دیور

مترجم: مارگریت ماغن

مرکز اصلاحات کلیسا

CCR

## مرکز اصلاحات کلیسا

### مأموریت ما

**نکته معلوم:** ریاکاری عملی نامربوط در کلیسا است.

**نکته معلوم:** پاکی و خلوص حقیقی و رحیمانه، ابزاری مهم برای اطمینان بخشیدن، تعلیم و بشارت است. اما امروزه اینگونه پاکی، اغلب مورد اغماض قرار می‌گیرد.

**نتیجه‌گیری:** مأموریت ما دعوت از کلیساست تا آن عروس دلربای مسیح باشد که او به خون خود خرید و بوجود آورد. این مأموریت را بوسیله راهنمایی و تشویق شبانان و سایر رهبران کلیسا به انجام می‌رسانیم.

### هدف ما

در میان بسیاری از مسیحیان انجیلی امروزی، مرجعیت کلام خدا امتیاز والایی یافته، سکولاریزم افزایش یافته، تنزلی در وفاداری به یک فرقه به چشم می‌خورد و نهایتاً سنتها به طور گسترده زیر سؤال رفته‌اند. ما معتقدیم در جوامع بشارتی، آغوشی پذیرا و یا حتی نوعی تشنگی، برای ایجاد تغییر فکر درباره کلیسا وجود دارد. اکنون فرصتی مناسب برای ارائه تعریف دوباره کلیسا به صورتی سالم‌تر و کتاب مقدسی‌تر ایجاد شده است.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

مرکز اصلاح کلیسا در پی ایجاد تغییر و تحول در درک شبانان و رهبران از کلیسای محلی است. هدف ما معطوف نمودن توجه ایشان به ارزش مجامع کلیسایی سالم می‌باشد. می‌خواهیم ارتباطی دوباره میان الهیات دقیق کتاب مقدسی و عملکرد کلیسا ایجاد کنیم.

مرکز اصلاح کلیسا، میدانی آموزشی را برای بحث، بررسی و مناظره در مورد عناصر یک کلیسای محلی نمونه فراهم آورده است. آرزوی ما این است که علاوه بر تعلیم، نمونه‌ای را ارائه دهیم که همواره بوسیله کلام خدا اصلاح گردد. چهار مجرای اولیه‌ای که می‌خواهیم توسط آنها نمونه کلیسای سالم را به نمایش بگذاریم عبارتند از:

- رسانه‌های عمومی: رادیو، وبسایت، نوار کاست
- مطالعه: کنفرانس‌ها، دوره‌های کارآموزی، دوره‌های ویژه تعمق در حضور خدا
- نشریات: کتاب، جزوه، مقاله
- توسعه: اتاق فکر و سفر به نقاط دیگر

## فهرست

مقدمه.....	۵
۱. موعظهٔ تفسیری.....	۸
۲. الهیات کتابمقدسی.....	۱۳
۳. درک کتابمقدسی از مژدهٔ انجیل.....	۱۹
۴. درک کتابمقدسی از ایمان آوردن به مسیح.....	۲۲
۵. درک کتابمقدسی از بشارت.....	۲۶
۶. درک کتابمقدسی از عضویت کلیسا.....	۳۰
۷. تنبیه کلیسایی کتابمقدسی.....	۳۷
۸. توجه به ارتقای شاگردی و رشد مسیحی.....	۴۲
۹. رهبری کلیسا بر اساس کتابمقدس.....	۴۷
ختم کلام.....	۵۴
ضمیمه.....	۵۵
نمونهٔ عهدنامهٔ یک کلیسای سالم.....	۵۵

## آثار دیگر همین نویسنده

Nine Marks of a Healthy Church, expanded version.  
(Crossway: 2000).

Richard Sibbes (Mercer University Press: 2000).

Polity: Biblical Arguments for How to Conduct Church Life: A  
Collection of Historic Baptist Documents (CCR: 2001).

A Display of God's Glory: Basics of Church Structure: Deacons,  
Elders, Congregationalism, and Membership. (CCR: 2001).

"The Priesthood of All Believers: Reconsidering Every- Member Ministry," in The  
Compromised Church, ed. John Armstrong (Crossway: 1998).

"Reflections on Providence," in Christianity in a Changing World, ed. Michael  
Schluter and the Cambridge Papers Group (Marshall Pickering: 2000).

"Communicating a Sense of Sin," in Telling the Truth: Evangelizing Postmoderns,  
ed. D. A. Carson (Zondervan: 2000).

"Why I am a Baptist," in Why I Am A Baptist, ed. Tom Nettles & Russ Moore  
(Broadman: 2001).

"John L. Dagg," in Theologians of the Baptist Tradition, ed. Timothy George and  
David S. Dockery (Broadman: 2001).

"Do the Work of an Evangelist," in Reforming Pastoral Ministry, ed. John  
Armstrong (Crossway: 2001).

"Why We Disciplined Half our Church" in Leadership Journal (Fall, 2000).

"Church Discipline," in the Southern Baptist Journal of Theology (Winter 2000).

### مقدمه

خدا بواسطه نیکویی و محبت خود از ما دعوت نکرده است تا مسیحیانی تنها باشیم. هرچند ما به تنهایی گناه می‌کنیم و هر یک به تنهایی دعوت شده‌ایم تا از دنیا دست بشوییم، اما در عین حال، فراخوانده شده‌ایم تا با همدیگر در یک جماعت محلی گرد آییم. در عهد جدید، این جماعت، کلیسا نامیده می‌شود.

امروزه، بسیاری از سخنرانان و نویسندگان کتابهای موجود در بازار، ادعا می‌کنند که هر یک از جنبه‌های متفاوتی که می‌توان تصور کرد، از قبیل روش پرستش، برنامه‌های کامپیوتری، کتابها، سیستم‌های صوتی، سمینارها، خدمات مسیحی، آموزش، برنامه‌ها، گروه‌ها، فلسفه، روش شناسی، آموزه‌ها، طرز سلوک، برخوردارهای روحانی، نقشه پارکینگ یا ساختار مدیریتی، کلید اصلی موفقیت در کلیسا هستند. چه کسی صحیح می‌گوید؟ چگونه می‌توان به سلامت یک کلیسا پی برد؟ برای ایجاد رشد ماندگاری که خدا را جلال دهد و بر پایه کتاب مقدس باشد، چه باید کرد؟

این کتابچه ابزاری برای تغییر کلیساهاست. در اینجا، من به نه نشانه مشخص در یک کلیسای سالم اشاره می‌کنم. اینها تنها جنبه‌های یک کلیسای سالم نیستند. تنها نکاتی نیستند که کلیسا را توصیف می‌کنند. ضرورتاً حتی مهمترین جنبه‌های کلیسا نیز نیستند. به عنوان مثال، تعمید و عشاءربانی، جنبه‌های حیاتی در یک کلیسای کتاب مقدسی می‌باشند، اما در این کتابچه مستقیماً به تشریح آنها نمی‌پردازیم. دلیل این امر آن است که تقریباً همه کلیساها به نوعی آنها را به انجام می‌رسانند. نه جنبه مورد بررسی در این کتابچه، نشانه‌هایی هستند که یک کلیسا را به عنوان کلیسای کتاب مقدسی، سالم و استوار از سایر کلیساهای مبتلا به امراض مختلف جدا و متمایز می‌سازد. امروزه نه نشانه مورد بحث در اینجا به ندرت قابل مشاهده‌اند، و بنابراین توجه ما نسبت به آنها و نشو و نمایشان در کلیساهایمان بسیار ضروری است.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

البته همانطور که در این جهان، مسیحی کاملی وجود ندارد، کلیساهای کامل و بی نقص نیز نایابند. حتی بهترین کلیساهای موجود، با کلیسای آرمانی فاصله زیادی دارند. مدیریت صحیح یا موعظه دلیرانه و یا حتی راست کیشی الهیاتی و هدیه دادن ایثارگرانه هیچ کدام نمی تواند تضمین کننده شکوفایی یک کلیسا باشد. با وجود این، هر کلیسایی می تواند سالم تر از آنچه هست بشود. ما هم در طول زندگیمان کاملاً بر گناه پیروز نمی شویم، اما به عنوان فرزندان راستین خدا، دست از تلاش و تقلا نیز بر نمی داریم. کلیساها نیز نباید از تلاش و تقلا دست بکشند. مسیحیان، خصوصاً شبانان و رهبران کلیسا مشتاق دیدن کلیساهای سالم تر هستند و در این راستا زحمت می کشند. هدف این کتابچه، تشویق و دلگرمی برای دستیابی به این سلامت است. من می نویسم و شما می خوانید، زیرا هر دو طرف می خواهیم خدا در میان قوم خود جلال یابد.

اعتیاد به برنامه گرایی در فرهنگ آمریکایی ما، خصوصاً برای دستیابی به موفقیت های آشکار، باید جای خود را به توکلی فروتنانه به وفاداری به خدا بدهد خصوصاً توسط پیروی از فرمانهای او، حتی اگر پیروی ما نتیجه فوری نداشته باشد. ما باید دسته بندی مشخصی برای بازشناسی و تشویق عملکردها در اختیار داشته باشیم، نه فقط برای دست آوردهای مؤسسين کلیسا در مناطقی که رشد کلیسایی از لحاظ آماری چشمگیر است بلکه برای شبانان امینی که در مناطق یا شهرهایی با نتایج آماری رو به کاهش مستقر هستند. باید بتوانیم مشوق کار خدا، نه تنها در جنبشها یا خدمات کلیسایی با نتایج فوری بلکه در عملکردهای افرادی مانند ویلیام کری یا آدونیرام جادسون نیز باشیم.

یک هشدار: در این تنظیم دوباره اهداف و عملکردهای کلیسایمان، نباید بر دانشکده های الهیات به عنوان عوامل تغییر یا احیای کتاب مقدسی وابسته بمانیم. دانشکده های الهیات (چه فرقه ای باشند یا غیره) مؤسساتی هستند که اهداف مؤسسان خود را دنبال می کنند و باید نسبت

## ۹ نشانهٔ کلیسای سالم

به این اهداف وفادار بمانند. باید هم چنین باشد. بنابراین ما باید برای ایجاد تغییری بلندمدت‌تر، آرامتر و عمیقتر در کلیساهایمان به تلاش بپردازیم.

بار دیگر تأکید می‌کنم که حتی بهترین کلیساهای ممکن است از آرمان واقعی خود بسیار دور باشند و لذا ما نباید از کار و تلاش دست بکشیم. آرزوی همگی ما این است که کلیسایی سالمتر داشته باشیم که در آن خدا در قوم خود جلال بیابد. امیدوارم کتاب حاضر در این راستا به کار گرفته شود.





## موعظه تفسیری

- I. تعریف موعظه تفسیری
- II. موعظه تفسیری اصولاً یک روش نیست
- III. تبعیت از کلام خدا، نه دانش فردی واعظ
- IV. خدا همواره قوم خود را بواسطه کلامش آفریده است
- V. مرکزیت کلام موعظه شده الهی

**تعریف موعظه تفسیری** - نقطه شروع، در ابتدای کار خدا با ما، زمانی است که او با ما سخن گفته است. سلامتی روحانی ما از همین جا آمده و سلامتی کلیسایمان نیز از همین جا خواهد آمد. برای هر یک از رهبران کلیسا به طور خاص و مخصوصاً برای شبان کلیسا، قرار دادن موعظه تفسیری که یکی از قدیمی‌ترین روشهای موعظه است، در سرلوحه کار خود اهمیت دارد. هدف از این نوع موعظه، شرح و بسط مطلبی است که در یک متن مشخص از کلام خدا آمده و توضیح دقیق معنی و کاربرد آن توسط جماعت کلیسا (به نحمیا ۸: ۸ مراجعه کنید). البته انواع دیگر موعظه نیز وجود دارد. موعظه‌های موضوعی، تعلیم کلام خدا درباره یک موضوع مثلاً دعا یا هدیه نقدی دادن را مد نظر قرار می‌دهد. موعظه درباره شرح زندگی یک شخصیت کتاب مقدسی، زندگی آن فرد را به عنوان نمونه‌ای از فیض الهی مورد بررسی قرار داده و آن را به عنوان مثالی از امید و

## ۹ نشانه کلیسای سالم

امانت به تصویر در می‌آورد. اما موعظه تفسیری چیز دیگری است زیرا به شرح و کاربرد یک بخش مشخص از کلام خدا اختصاص دارد.

**موعظه تفسیری اصولاً یک روش نیست** - موعظه تفسیری، اعتقاد به اقتدار کلام خدا را مفروض می‌داند، اما فراتر از این می‌رود. وقتی خود را به موعظه تفسیری می‌سپاریم در واقع خود را وقف شنیدن از کلام خدا می‌کنیم. همانگونه که انبیای عهد عتیق و رسولان عهد جدید نه فقط مأمور می‌شدند که بروند و سخنرانی کنند، بلکه تا پیام خاصی را به مردم برسانند، واعظان مسیحی امروزی نیز فقط تا هنگامی که از کلام الهی سخن گویند، از سوی خدا اقتدار می‌یابند. بنابراین اقتدار واعظی که موعظه تفسیری می‌کند، در آن است که سخن خود را با کلام خدا آغاز کند و به انتها رساند. گاهی مردم به اشتباه تصور می‌کنند موعظه تفسیری شیوه موعظه یک واعظ مشهور است، اما اصولاً اینگونه موعظه یک شیوه و روش نیست. همانطور که سایرین نیز اظهار داشته‌اند، موعظه تفسیری در نهایت مربوط به آن نمی‌شود که ما چگونه مطلب مورد نظرمان را بیان می‌کنیم بلکه اینکه چگونه تصمیم می‌گیریم مطلبی را مورد بحث قرار دهیم. اصل موضوع ارائه یک شیوه خاص نیست، بلکه بیان محتوای کتاب مقدسی است.

**تبعیت از کلام خدا، نه دانش فردی واعظ** - شاید واعظی با آغوش باز اقتدار کلام خدا را بپذیرد و حتی اقرار به صحت کامل کتاب مقدس داشته باشد؛ اما اگر در عمل (چه به عمد و یا به‌طور غیرعمدی) مبادرت به موعظه تفسیری نکند، هرگز بیش از دانش خود موعظه نخواهد کرد. یک واعظ می‌تواند بخشی از کلام خدا را بگیرد و درباره موضوع مهمی جماعت کلیسایی را نصیحت کند بدون آنکه در واقع به موعظه نکته مورد نظر متن بپردازد. هنگامی که چنین چیزی اتفاق می‌افتد، واعظ و جماعت تنها از کلام خدا چیزی را می‌شنوند که از قبل می‌دانستند.

در مقابل، هنگامی که ما درباره موضوع قسمتی از کتاب مقدس موعظه تفسیری می‌کنیم، و نکته مورد نظر متن را در پیامان مورد تأکید قرار می‌دهیم، از خدا نکاتی را می‌شنویم که در

## ۹ نشانه کلیسای سالم

شروع موعظه ذهنیتی از آنها نداشته‌ایم. از همان دعوت اولیه به توبه تا زمان حال زندگیمان که روح‌القدس اخیراً ما را نسبت به موضوعی ملزم ساخته، تمامی دوران نجات ما شامل شنیدن مطالبی از خدا می‌گردد که پیش از شنیدن آنها، تصویری درباره‌شان نداشته‌ایم. همین وقف و سرسپردگی عملی به کلام خدا باید در خدمت یک واعظ مشهود باشد. لطفاً اشتباه نکنید: در نهایت این مسئولیت جماعت کلیساست که بر انجام آن امر صحّه بگذارد. (مسئولیتی که عیسی در متی ۱۸، و پولس در ۲ تیموتائوس ۴ برای جماعت قائل است). کلیسا هرگز نباید شخصی را به نظارت روحانی گله‌ خدا بگمارد که در عمل، سرسپردگی خود را به شنیدن و تعلیم کلام خدا نشان نمی‌دهد. با این کار به طور حتم مانع رشد کلیسا خواهیم شد و در عمل آن را تشویق می‌نماییم تا فقط به اندازه‌ شبان خود رشد نماید. بدین ترتیب، کلیسا به آرامی خود را با ذهن شبان وفق می‌دهد نه با ذهنیت و تفکر خدا.

**خدا همواره قوم خود را با کلامش می‌آفریند -** قوم خدا همواره توسط کلام خدا بوجود آمده‌اند. از آفرینش جهان در پیدایش باب ۱ تا دعوت ابراهیم در پیدایش ۱۲، از رویای دره پوشیده از استخوانهای خشک در حزقیال ۳۷ تا آمدن کلام زنده‌ خدا، خدا همواره قوم خود را بوسیله کلام خود خلق کرده است. همانطور که پولس در نامه به رومیان نوشت: "ایمان از شنیدن پیام پدید می‌آید و پیام ما کلام مسیح است" (۱۰: ۱۷ - مژده). یا همانطور که پولس در نامه به قرنتیان می‌گوید: "خدا در حکمت خویش چنین مقرر فرمود که جهانیان نتوانند با حکمت خود او را بشناسند بلکه صلاح دانست که به وسیله همین پیام پوچ و بی‌معنی ما، ایمانداران را نجات بخشد" (۱ قرنتیان ۱: ۲۱ - مژده).

یک موعظه خوب تفسیری اغلب منبع رشد کلیساست. مارتین لوتر با توجه دقیق به کلام خدا، اصلاحات را آغاز کرد. ما نیز باید کلیسایی باشیم که همواره بر اساس کلام خدا اصلاح می‌شود.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

یک بار در حین تدریس در یک سمینار یک روزه درباره فرقه پیوریتن‌ها در کلیسای لندن، به این موضوع اشاره کردم که موعظه‌های پیوریتن‌ها گاهی دو ساعت تمام به طول می‌انجامد. ناگهان یکی از شرکت‌کنندگان نفس بلندی کشید و پرسید: "آیا دیگر فرصت پرستش برایشان باقی می‌ماند؟" فرض او این بود که شنیدن کلام خدا، شامل پرستش نیست. در جواب گفتم که از نظر بسیاری از مسیحیان پروتستان انگلیس، شنیدن کلام خدا به زبان خودشان و واکنش به آن در زندگیشان، بخش اساسی عبادت و پرستش آنهاست. اختصاص وقت برای سرود خواندن دستجمعی، در نظر آنها اهمیت نسبتاً کمی داشت.

**مرکزیت موعظه کلام خدا - کلیساهای ما باید مرکزیت کلام را در عبادت و پرستش خود نشان دهد.** شنیدن کلام خدا و پاسخ دادن به آن می‌تواند شامل پرستش و شکرگزاری، اعتراف و اقرار باشد که ممکن است بوسیله خواندن سرود ابراز شود، هرچند ضرورتی هم برای این کار نیست. کلیسایی که روی موسیقی، از هر نوعی، بنا شده باشد، کلیسایی است که روی ماسه رونده بنا شده است. موعظه مولفه اساسی شبانی است. برای شبانتان دعا کنید تا کلام خدا را با شدت و دقت تمام مطالعه کند و خدا او را در درکش از کلام خود، به کارگیری این کلام در زندگی شخصی‌اش و نیز به کارگیری آن در کلیسا، هدایت نماید (لوقا ۲۴: ۲۷؛ اعمال ۶: ۴؛ افسسیان ۶: ۱۹-۲۰). اگر شما شبان کلیسا هستید، برای این موضوعات در زندگی خودتان دعا کنید. همچنین برای سایر کسانی که کلام خدا را موعظه می‌کنند و تعلیم می‌دهند، نیز دعا کنید. نهایتاً دعا کنید تا کلیساهای ما خود را به شنیدن کلام موعظه تفسیری کلام خدا بسپارند تا دستور کار هر کلیسا به طور روز افزون توسط دستور کار خدا در کلامش شکل گیرد. سپردن خود به موعظه تفسیری نشانه‌ای از یک کلیسای سالم است.

## سؤال‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. نحمیا ۸: ۷-۸ را بخوانید. کتاب مقدس درباره کاری که لایوان حین خواندن کتاب عهد برای مردم می‌کردند، چه می‌گوید؟ در آیه ۱۲، نوشته شده است که پس از آن جماعت مردم با شادی عظیم بیرون رفتند تا جشن بگیرند. براساس متن، آنها به چه دلیل جشن گرفتند؟
۲. نویسنده، موعظه تفسیری را به عنوان "تشریح و به کارگیری قسمت مشخصی از کلام خدا" تعریف می‌کند. این تعریف را با کلمات خودتان بازنویسی کنید. چه تفاوتی میان موعظه تفسیری و سایر انواع موعظه مانند موعظه موضوعی یا شرح حالی وجود دارد؟
۳. در اعمال ۲۰: ۲۷، پولس به افسسیان می‌گوید زحمت کشیده تا "تمامی اراده خدا" را برای ایشان موعظه نماید. با دریافت این مطلب که کار ما به عنوان رهبران کلیسا انجام همین کار برای مردم است، موعظه تفسیری چگونه می‌تواند در کار ارائه تمامی توصیه‌های خدا برای قومش، مفید باشد؟ خطری که در عدم ارائه "موضوع اصلی متن به عنوان موضوع پیامان" وجود دارد، چیست؟
۴. از پیدایش ۱ تا عهد جدید، خدا همواره قوم خود را بوسیله کلامش می‌آفریند. رومیان ۱۰: ۱۷ و ۱۸: ۱ را بخوانید. خدا از چه چیزی برای تفهیم ایمان نجات در مسیح به قومش استفاده می‌کند؟ این امر درباره قدر و ارزشی که باید به کلام خدا در کلیسایمان بدهیم، چه چیزی را به ما گوشزد می‌کند؟ این قدر و ارزش در عمل باید چگونه خود را در موعظه ما نشان بدهد؟

## ۲

### الهیات کتاب مقدسی

- I. "الهیات صحیح و دقیق"
- II. یگانگی (اتحاد)، گوناگونی و نیکوکاری (دستگیری از ضعیفان)
- III. رویارویی با الهیات پیچیده یا ضدونقیض
- IV. مقاومت در برابر قدرت مطلق خدا
- V. رهبران باید با آغوش باز، قدرت مطلق خدا را بپذیرند

موعظه تفسیری برای سلامت کلیسا حائز اهمیت است. اما هر روشی هر قدر هم که خوب باشد، ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد و بنابراین باید آن را آزمود. کلیساهای ما نباید فقط نگران چگونگی تعلیمی که می‌یابند باشند بلکه موضوع تعلیم را نیز باید مورد توجه قرار دهند. باید درستی تعلیم را ارج نهیم، خصوصاً هنگامی که با درک ما از خدای کتاب مقدس و راههای ارتباط او با ما مطابقت دارد.

**"تعلیم صحیح"** - "صحیح بودن" کلمه‌ای قدیمی محسوب می‌شود. در نامه‌های شبانی پولس به تیموتائوس و تیتوس، منظور از "صحیح"، قابل اعتماد، دقیق یا وفادار است. ریشه این کلمه، تصویری از دنیای پزشکی به معنای کامل یا سالم است. در ۱ تیموتائوس ۱ می‌خوانیم که آموزه یا تعلیم صحیح توسط انجیل شکل می‌گیرد و برخلاف بی‌دینی و گناه است. حتی به طور روشن‌تر، در ۱ تیموتائوس ۶: ۳، پولس "تعالیم غلط" را غیرسازگار با "سخنان خداوند ما عیسی مسیح و تعالیم آیین ما" برمی‌شمارد. به این ترتیب او در دومین نامه‌اش به تیموتائوس، وی را نصیحت

## ۹ نشانه کلیسای سالم

می‌کند که "تعلیم صحیحی را که از من شنیده‌ای...سرمشق خود قرار بده" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۳-مژده). پولس به تیموتائوس هشدار می‌دهد و می‌گوید: "زیرا زمانی خواهد آمد که آدمیان به تعلیم درست گوش نخواهند داد، بلکه از امیال خودشان پیروی خواهند کرد و برای خود معلمین بیشتری جمع خواهند کرد تا نصایحی را که خود دوست دارند از زبان آنها بشنوند" (۲ تیموتائوس ۴: ۳-مژده).

پولس در نامه دیگری به یک شبان جوان به نام تیطس، همین نگرانی‌ها را ابراز می‌دارد. او می‌گوید اگر تیطس می‌خواهد شیخی را به خدمت بگمارد، آن شخص "باید به پیامی که قابل اعتماد و با تعالیم صحیح سازگار است، محکم بچسبد تا بتواند اطرافیان را با تعلیمی درست تشویق کرده و مخالفان را مجاب سازد" (تیطس ۱: ۹-مژده). پولس، تیطس را ترغیب می‌نماید تا معلمین دروغین را سرزنش کند "تا در ایمان سالم باشند" (تیطس ۱: ۱۳). پولس تیطس را متعهد می‌سازد و می‌گوید: "اما تو، مطالبی را که مطابق تعالیم صحیح است به آنها بگو" (تیطس ۲: ۱-مژده).

**یگانگی، تنوع و نیکوکاری -** اگر بخواهیم تمامی آنچه تعلیم صحیح شامل می‌شود، بیان نماییم باید دوباره تمامی کتاب مقدس را بازسازی کنیم. اما در عمل، هر کلیسایی تصمیم می‌گیرد که در چه مواردی باید کاملاً موافق آنها عمل کند، در کدام موارد می‌تواند اختلاف محدودی داشته باشد و یا اینکه کاملاً آزادانه با آنها روبرو شود.

در کلیسای محل خدمت من در واشنگتن دی.سی، ما از هر فردی که بخواهد عضو کلیسا باشد، انتظار داریم که تنها از طریق کار عیسی مسیح، ایمان به نجات جاودانی داشته باشد. همچنین همگی با یگانگی (یا با شباهت زیاد) اقرار به تعمیم ایمانداران و سیاستهای کلیسایی می‌نماییم. یگانگی در این دو مورد اخیر برای نجات یافتن اساسی نیست، اما توافق یافتن در مورد آنها هم در عمل برای حیات کلیسا مفید است و هم آن را سالم نگاه می‌دارد.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

می‌توانیم بگذاریم عدم توافقی وجود داشته باشد که در نجات یافتن یا زندگی عملی کلیسا جزء ضروریات نیستند. پس به عنوان مثال، هرچند همه ما قبول داریم که مسیح بازمی‌گردد، اما برایمان تعجب‌آور نیست که عدم توافقی در مورد زمان بازگشت او وجود داشته باشد. همچنین در موارد دیگر که کمتر از اینها مرکزیت دارد یا ابهاماتی در آن نهفته است، مانند درستی مقاومت مسلحانه، یا هویت نویسنده عبرانیان، می‌توانیم آزادانه‌تر عمل نماییم.

در تمامی اینها، اصل اولیه باید به سادگی این باشد: هر قدر به قلب ایمانمان نزدیکتر می‌شویم، بیشتر باید منتظر اشتراکات در کمان از ایمان باشیم. کلیسای اولیه این موضوع را اینطور ترسیم می‌نماید: یگانگی در اصول اساسی، تنوع در اصول غیراساسی و نیکوکاری در همه امور.

**روپارویی با آموزه‌های پیچیده یا ضدونقیض -** تعلیم صحیح شامل سرسپردگی روشن به آموزه‌هایی است که هرچند آشکارا کتاب مقدس هستند، اما اغلب مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرند. اگر بخواهیم آموزه صحیح کتاب مقدس را بیاموزیم، باید آموزه‌هایی را که مشکل هستند یا حتی توانایی بالقوه برای تفرقه‌اندازی دارند اما در عین حال برای درک کار خدا در میان ما اساسی هستند، مورد توجه قرار دهیم. به عنوان مثال، آموزه کتاب مقدس برگزیدگی اغلب به این دلیل که بسیار پیچیده یا گیج کننده است، مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرد. با این وجود، کتاب مقدس بودن این آموزه غیرقابل انکار و حائز اهمیت است. هرچند آموزه مزبور دارای مفاهیم ضمنی‌ای است که نمی‌توانیم کاملاً درکشان کنیم، اما این امر که آیا نجات ما نهایتاً از سوی خدا صادر می‌شود و نه از خودمان، موضوع کم اهمیتی نیست. سئوالهای مهم دیگری که کتاب مقدس به آنها پاسخ می‌دهد و مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرند، از این قرار است:

- آیا انسانها اساساً خوبند یا بد؟ آیا آنها فقط نیاز به تشویق و دلگرمی برای یافتن عزت نفس دارند یا نیازمند آموزش و زندگی جدید هستند؟



## ۹ نشانه کلیسای سالم

- عیسی مسیح با مردن بر صلیب چه کرد؟ آیا یک امکان در زندگی ما ایجاد کرد یا جایگزین ما شد؟
- وقتی کسی مسیحی می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟
- اگر ما مسیحی باشیم، آیا می‌توانیم یقین داشته باشیم که خدا همواره مراقب ماست؟ اگر چنین است، آیا مراقبت دائمی او وابسته به وفاداری ماست یا امانت خودش؟

همه این سؤال‌ها فقط برای الهی‌دانان یا دانشجویان الهیات نیست. آنها برای هر شخص مسیحی حائز اهمیت است. شبانان کلیساها می‌دانند که هرگونه جوابی که به این سؤال‌ها بدهند، موجب تغییر روش شبانی آنها می‌شود. وفاداری به کلام خدا ایجاب می‌کند که درباره این مسائل، به روشنی و با اقتدار صحبت کنیم.

**مقاومت در برابر قدرت مطلق خدا** - درک ما از تعالیم کتاب مقدس درباره خدا، حیاتی است. خدای کتاب مقدس، آفریننده و خداوند است؛ اما گاهی قدرت مطلق او حتی در کلیسا مورد انکار قرار می‌گیرد. برای مسیحیانی که به ایمانشان اقرار دارند، مقاومت در برابر مفهوم قدرت مطلق خدا در آفرینش یا در نجات، در واقع بازی و همراهی با بت‌پرستی زاهدانه است. بسیاری از مسیحیان سؤال‌های صادقانه‌ای در مورد قدرت مطلق الهی دارند، اما انکار سرسختانه و محکم قدرت مطلق خدا نگران کننده است. اگر بخواهیم کسی را با این اندیشه، تعمید دهیم، در واقع قلبی را تعمید می‌دهیم که هنوز با ایمان درگیر است. با قبول عضویت چنین شخصی در کلیسا، طوری با آنها برخورد می‌کنیم که گویی به خدا توکل دارند در حالیکه در واقع چنین نیست.

**رهبران کلیسا باید با تمام وجود قدرت مطلق الهی را بپذیرند** - مقاومت در برابر این تفکر هرچند برای هر مسیحی خطرناک است، برای رهبران کلیسا به مراتب خطرناکتر می‌باشد. در منصوب کردن شخصی به رهبری کلیسا، که نسبت به قدرت مطلق خدا تردید دارد یا به طور جدی تعلیم کتاب مقدس را در اینگونه موارد سوءتعبیر می‌نماید، کسی را سرمشق دیگران قرار

## ۹ نشانه کلیسای سالم

می‌دهیم که شاید در عمق وجودش تمایلی به توکل به خدا نداشته باشد. چنین انتصابی، یک دست‌انداز در کلیسا ایجاد می‌کند.

امروزه فرهنگ ما، اغلب ما را تشویق می‌کند تا بشارت را به نوعی تبلیغ تجارتي تبدیل کنیم و کار روح‌القدس را نوعی بازاریابی قلمداد نماییم. گاهی خود خدا به صورت انسان بازسازی می‌شود. در چنین مواقعی، یک کلیسای سالم باید به طور مخصوص برای رهبرانی دعا کند که درکی کتاب‌مقدسی و تجربی از قدرت مطلق خدا دارند و نسبت به تعلیم صحیح به طور کاملاً کتاب‌مقدسی در اوج فرّ و شکوه آن، وفادارند. یک کلیسای سالم بوسیله موعظه تفسیری و نیز الهیات کتاب‌مقدسی شناخته می‌شود.

## پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. تیموتائوس ۶: ۳-۵ را مطالعه کنید. پولس چگونه شخصی را که "تعلیم غلط" می‌دهد، توصیف می‌کند؟ فکر می‌کنید چرا این موضوع برای پولس اهمیت داشت که تیموتائوس به کلیسای خود "تعلیم صحیح" و "خداترسانه" بدهد؟
۲. نویسندگان به چند آموزه اشاره می‌کنند که هر شخص باید برای عضویت در کلیسای محل خدمت وی، به آنها معتقد باشد. او همچنین به چند مورد اشاره می‌نماید که اعضای کلیسا می‌توانند با آزادی بیشتری با آنها برخورد نمایند. افرادی که می‌خواهند عضو کلیسای شما شوند، باید به چه چیزهایی معتقد باشند؟ این اعتقادات چگونه کلیسای شما را از سایر کلیساهای محل زندگیتان جدا می‌سازد؟ کلیسای شما در چه اموری آزادی بیشتری به اعضای خود می‌دهد؟
۳. برخی از آموزه‌هایی که به وضوح در متن کلام خدا وجود دارند، اغلب مورد اغماض و چشم‌پوشی قرار می‌گیرند زیرا ثابت شده دشوار، ضدونقیض و یا حتی تفرقه‌انداز

## ۹ نشانه کلیسای سالم

هستند. آیا جدال آمیز بودن بالقوه، دلیل خوبی برای آن است که ما از گفتگو و راهنمایی درباره این آموزه‌ها در کلیساهایمان اجتناب کنیم؟ دلایل موافق و مخالف شما چیست؟

۴. نویسنده، چهار پرسش را در صفحه ۱۲ فهرست‌وار آورده که اغلب آنطور که باید و شاید به آنها توجه نشده است. فکر می‌کنید کتاب مقدس چگونه به این پرسشها پاسخ می‌دهد؟ در جوابهای خود، مراجع کتاب مقدسی را نیز قید کنید.

۵. پولس در نامه به تیتس ۱: ۹ می‌نویسد رهبر کلیسا "باید به پیامی که قابل اعتماد و با تعالیم صحیح سازگار است، محکم بچسبد." آیا به عقیده شما درک و پذیرش قدرت مطلق خدا در نجات، برای شبان یا رهبر کلیسا اهمیت دارد؟ رهبر کلیسایی که نسبت به قدرت مطلق الهی در این محدوده تردید دارد یا دچار سوءتفاهم درباره این تعالیم - کتاب مقدسی است، چه خطری می‌تواند داشته باشد؟

## ۳

### درک کتاب مقدسی از مژده انجیل

- I. انجیل، قلب مسیحیت است
- II. خدا، انسان، مسیح، پاسخ
- III. انجیل، دعوت اصلی نجات است

**انجیل قلب مسیحیت است -** داشتن الهیات کتاب مقدسی در زمینه مشخص مژده عیسی مسیح یعنی انجیل، برای هر کلیسایی اهمیت ویژه دارد. انجیل قلب مسیحیت است و لذا باید قلب ایمان ما نیز باشد. همگی ما به عنوان افراد مسیحی باید دعا کنیم تا بیش از هر چیز دیگر در حیات کلیسایمان، مژده نجات بواسطه مسیح را مورد توجه قرار دهیم. یک کلیسای سالم مملو از کسانی است که قلبی برای اشاعه انجیل دارند، به بیان دیگر، قلبی برای حقیقت معرفی خدا از خود، نیاز بشر، نجاتی که مسیح فراهم آورده و نیز مسئولیت ما مؤمنین دارند.

**خدا، انسان، مسیح، پاسخ -** هنگامی که من انجیل را با شخصی در میان می گذارم، تلاشم این است که چهار نکته یعنی: خدا، انسان، مسیح، پاسخ را مدنظر داشته باشم. همواره از خود می-پرسم: آیا حقیقت مربوط به خدای مقدس و آفریننده قادر متعال را با آن شخص در میان گذاشته-ام؟ آیا به روشنی گفته ام که ما افراد بشر ترکیبی عجیب هستیم، زیرا به شباهت خدا آفریده شده-ایم ولی در عین حال سقوط کرده ایم، گناهکاریم و از خدا دور افتاده ایم؟ آیا کسی که با او صحبت می کنم متوجه شخصیت مسیح به عنوان خدا-انسان، تنها واسطه میان خدا و انسان، کسی که به جایگزینی ما قربانی شد و خداوند قیام کرده است، می شود؟ و نهایتاً حتی اگر تمامی اینها را مطرح

## ۹ نشانه کلیسای سالم

کرده باشم، آیا او درک می‌کند که باید نسبت به انجیل واکنش نشان دهد، بدین معنا که باید به این پیام ایمان آورد و از زندگی خودمحرورانه و گناه رویگردان شود؟

**انجیل، عرضه کامل و ریشه‌ای نجات است -** عرضه انجیل به عنوان آنچه غیرمسیحیان بدنبال آن هستند (یعنی: شادی، آرامش، راحتی، غنا، عزت نفس، محبت) فقط و فقط تا حدودی درست است. همانطور که جی. آی. پکر می‌گوید: "اگر به نیمی از حقیقت لباس حقیقت کامل بپوشانیم، تبدیل به ناراستی و کذب محض می‌شود." اصولاً همه افراد، نیازمند بخشش هستند. ما به حیات روحانی محتاجیم. اگر انجیل را آنطور که هست به طور اصولی معرفی نکنیم، موجب می‌شویم مردم به ایمانی کاذب بگروند و عضویتشان در کلیسا به طور فزاینده‌ای بی‌معنا گردد، و هر دوی این موارد، کار بشارت به جهان را برای ما مشکلتر می‌سازند.

اعضای کلیسای ما که در خانه‌ها، دفاتر اداری و همسایگی ما پخش می‌شوند، همین امروز بسیار بیش از مسیحیانی که روز یکشنبه را با آنان می‌گذرانند، وقتشان صرف غیرمسیحیانی می‌شود که روزهای دیگر هفته با آنها سروکار دارند. هر کدام از ما حامل خبر زایدالوصف نجات مسیح هستیم. مبادا این خبر را با اخبار دیگر مبادله کنیم. بیایید این خبر را امروز با دیگران در میان بگذاریم! جورج دبلیو. تروئت، رهبر بزرگ و شبان کلیسای باپتیست دالاس تگزاس در نسل گذشته می‌گفت:

«بزرگترین اعلام جرمی که می‌توان به یک کلیسا نسبت داد، فقدان شور و شوق صید جان انسانهاست. اگر کلیسا شوقی فزاینده برای یافتن جانهای گمشده نداشته باشد و به جستجوی جانهای گمشده و شناسانیدن عیسی مسیح به آنها نپردازد، هیچ تفاوتی با یک کلپ اخلاقی ندارد.»

یک کلیسای سالم انجیل را می‌داند و آن را با دیگران در میان می‌گذارد.

## پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. نویسنده معتقد است که ما مسیحیان باید بیش از هر چیز دیگری در حیات کلیسایمان بر مژده انجیل نجات مسیح متمرکز باشیم. آیا موافق هستید؟ اقرن‌تیا ۲: ۲ را مطالعه کنید. چرا پیام عیسی مسیح تا این اندازه اهمیت دارد؟
۲. هر شخص برای داشتن یک درک کتاب مقدسی از انجیل، باید چه درکی از خدا بیابد؟ هر شخص باید چه درکی از انسان و وضعیت او در زیر بار گناه داشته باشد؟ هر شخص باید چه درکی از مسیح داشته باشد؟ به گفته عیسی در مرقس ۱: ۱۵، واکنش انسان نسبت به مژده انجیل چه باید باشد؟ دو قدم اصلی در این واکنش شامل چه چیزهایی می‌شوند؟
۳. نویسنده چنین می‌نگارد: «اگر انجیل را آنطور که هست به طور اصولی معرفی نکنیم، موجب می‌شویم مردم به ایمانی کاذب بگردند و عضویتشان در کلیسا به طور فزاینده‌ای بی‌معنا گردد.» منظور از پیام "اصولی" انجیل چیست؟ این پیام چه تفاوتی با انجیلی که به عنوان راهی برای شادتر کردن غیرمسیحیان و ایجاد احساس رضایت از خود در ایشان، دارد؟
۴. کلیسای شما در برابر چالش جورج دبلیو. ترویت چه موضعی دارد؟ شور و اشتیاق کلیسای شما برای شهادت دادن به مژده نجات مسیح به مردم گم گشته، چقدر است؟

## ۴

### درک کتاب مقدسی از ایمان آوردن به مسیح

- I. توبه و ایمان
- II. ایمان جدید، کار خدا در ماست
- III. "تو یکی از متعلقان به خداوند نیستی!"
- IV. "شهادت معکوس" کلیسا
- V. ایمان آوردن به مسیح و تولد تازه بوسیله میوه‌های آن بازشناخته می‌شود

**توبه و ایمان -** در نخستین جلسه کلیسای ما در سال ۱۸۷۸، یک بیانیه ایمان، به تصویب کلیسا رسید. آن بیانیه، نسخه تقویت شده اقرارنامه ایمان نیوهمپشایر سال ۱۸۳۳ بود. اقرارنامه مزبور، تبدیل به اساس ایمان و پیام کلیسای باپتیست (تعمیدی) گردید، در سال ۱۹۲۵ مورد پذیرش مجمع (کنوانسیون) کلیساهای باپتیست جنوبی قرار گرفت و دوباره نسخه بازبینی و ضعیفتر آن در سال ۱۹۶۳ به تصویب این کلیسا رسید. در بیانیه مربوط به ایمان، ماده ۸ چنین آمده است:

« ما ایمان داریم که توبه و ایمان وظایف مقدس و نیز رحمت‌های جدایی‌ناپذیر روح احیاگر خدا هستند که در جانهای ما شکل می‌گیرد؛ و ما توسط آنها عمیقاً به تقصیر خود، خطرات آن و درماندگی مان پی‌می‌بریم و راه نجات بواسطه مسیح را بازمی‌شناسیم، با پشیمانی واقعی، اعتراف به گناه و تضرع برای رحمت، به سوی خدا روی می‌آوریم؛ در عین حال، قلباً خداوند عیسی مسیح را

## ۹ نشانه کلیسای سالم

به عنوان آن نبی، کاهن و پادشاهمان می‌پذیریم و بر او به عنوان تنها و یگانه نجات‌دهنده موجود توکل می‌کنیم.

**ایمان جدید، کار خدا در ماست** - به آنچه این بیانیه درباره ایمان جدید ما و بازگشتمان می‌گوید، توجه کنید. ما باز می‌گردیم زیرا " عمیقاً به تقصیر خود، خطرات آن و درماندگی مان پی- می‌بریم و راه نجات بواسطه مسیح را باز می‌شناسیم". و این بازگشت که ترکیبی از توبه و ایمان است، چگونه رخ می‌دهد؟ تغییرات مزبور " بوسیله روح احیاگر خدا در جانهای ما شکل می- گیرند ". این بیانیه سپس به دو آیه از کلام خدا که آن را مورد تأیید قرار می‌دهد، اسناد می‌نماید: اعمال ۱۱: ۱۸: «چون این سخنان را شنیدند، خاموش شدند و خدا را ستایش کرده، گفتند: براستی که خدا توبه حیات‌بخش را به غیریهودیان نیز عطا فرموده است!» (ترجمه هزاره) و افسسیان ۲: ۸: «زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید- و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست» (هزاره).

اگر ایمان آوردنمان به مسیح را اصولاً بجای کار خدا در ما، کار خودمان قلمداد کنیم، دچار سوءتفاهم شده‌ایم. یقیناً ایمان آوردن به مسیح شامل عملکرد ما نیز می‌شود، زیرا باید خود را صادقانه وقف کنیم و تصمیمی خودآگاه بگیریم. با وجود این، ایمان آوردن به مسیح بسیار فراتر از اینها می‌رود. کلام خدا به روشنی تعلیم می‌دهد که همه ما در حال سفر به سوی خدا نیستیم، برخی راه را یافته‌اند، درحالیکه دیگران همچنان مشغول جستجو هستند. در عوض، کتاب مقدس نیاز ما را به تعویض قلبهایمان، تبدیل ذهن‌هایمان و حیات یافتن روح‌هایمان توصیف می‌نماید. ما قادر به انجام هیچیک از این کارها نیستیم. می‌توانیم خودمان را وقف کنیم، ولی باید نجات بیابیم. تغییری که هر انسانی نیازمند آن است، فارغ از صورت ظاهر او، چنان بنیادی و نزدیک به ریشه وجودی اوست که فقط خدا می‌تواند آن را به انجام برساند. ما محتاجیم که خدا ما را اساساً تغییر دهد.



## ۹ نشانه کلیسای سالم

**"تو یکی از متعلقان به خداوند نیستی!"** - این موضوع مرا به یاد داستان برخورد سپرجان در حین قدم زدن در لندن با یک مرد مست می‌اندازد که به تیر چراغ‌برقی تکیه داده بود و می‌گفت: «آهای، آقای سپرجان، من یکی از نوکیشان تو شما هستم!» سپرجان در پاسخ گفت: «حتماً یکی از نوکیشان من هستید، اما مطمئنم که یکی از نوکیشان خداوند نیستید!»

**"شهادت معکوس" کلیسا -** یکی از نتایج سوءتعبیر تعلیم ایمان آوردن به مسیح یا تغییر کیش، همین است که کلیساهای بشارتی مملو از کسانی هستند که زمانی صمیمانه زندگی خود را وقف مسیح کرده‌اند، اما آشکارا تجربه تغییر اساسی را که کتاب مقدس از تولد تازه ارائه می‌دهد، نیافته‌اند. طبق یکی از مطالعات اخیر مجمع کلیساهای باپتیست جنوبی، نرخ طلاق در میان اعضای این کلیسا (که نگارنده هم متعلق به آن فرقه است) در واقع بالاتر از متوسط نرخ ملی طلاق در کشور آمریکاست. دلیل چنین "شهادت معکوسی" در میان کسانی که نامشان در فهرست پیروان مسیح است، دستکم تا اندازه‌ای، مربوط به موعظه غیرکتاب مقدسی درباره تولد تازه می‌باشد.

**ایمان آوردن به مسیح و تولد تازه بوسیله میوه‌های آن بازشناخته می‌شود -** مطمئناً لزومی ندارد که تولد تازه و تسلیم خود به مسیح، تجربه‌ای پرشور و احساس‌برانگیز باشد، اما این تجربه آنچنان که کتاب مقدس تولد تازه را قلمداد می‌نماید، حتماً باید خود را بوسیله ثمری که می‌آورد، تثبیت نماید. درک توضیح کتاب مقدس از ایمان آوردن به مسیح و تولد تازه یکی از نشانه‌های یک کلیسای سالم است.

## پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. اعمال ۱۱: ۱۸ را مطالعه کنید. این متن درباره سرمنشأ نهایی توبه چه تعلیم می‌دهد؟ آیا توبه در نهایت نتیجه تصمیم یک‌جانبه انسان برای بازگشت به سوی خداست یا نتیجه کار احیاء کننده خدا در قلب انسان می‌باشد؟
۲. پیدایش ۶: ۵ و رومیان ۸: ۷ را مطالعه کنید. وضعیت قلب انسان تحت قدرت گناه را توصیف نمایید. کتاب مقدس، توانایی انسان برای راضی کردن خدا یا تصمیم انسان برای بازگشت به سوی خدا را چگونه توصیف می‌کند؟
۳. افسسیان ۲: ۱-۱۰ را مطالعه کنید. خدا در هنگام تولد تازه، تغییر بزرگی در دل‌های ما ایجاد می‌کند. این متن، تغییر مزبور را چگونه توصیف می‌نماید؟ آیا انسان می‌تواند با تلاش زیاد، این تغییر را در خودش بوجود آورد؟
۴. سرشماری‌های اخیر نشان می‌دهد که نرخ طلاق در میان مسیحیان بشارتی در آمریکای امروزی بیش از متوسط ملی است. یکی از دلایل این امر چه می‌تواند باشد؟ کتاب مقدس چه تعلیمی درباره برخی از شواهد یا "ثمرات" کار احیاء کننده روح خدا در زندگی افراد می‌دهد؟
۵. در سده‌های گذشته، ایمانداران به طور معمول در اوان دوره بلوغ (مثلاً در سنین ۱۷ الی ۲۰ سالگی) تعمید می‌گرفتند. دلیل افت سنی مزبور در میان مسیحیان تعمیدی در قرن اخیر چه می‌تواند باشد؟ چرا این امر حائز اهمیت است؟

# ۵

## درک کتاب مقدسی از بشارت

- I. عواقب غفلت
- II. بشارتی که با درک درستی از نوکیشی (تولد تازه) شکل گرفته است
- III. تعریف بشارت
- IV. خداست که به مردم نوکیشی (تولد تازه) می دهد
- V. وقتی آمار عضویت بیش از حضور فیزیکی در جلسات است
- VI. سه واقعیتی که باید نقل کرد
- VII. منابع

**عواقب غفلت -** در مرور آنچه تا به حال به عنوان نشانه‌های بارز یک کلیسای سالم ارائه کردیم، به این موضوعات پرداختیم: موعظه تفسیری، الهیات کتاب مقدسی، درک کتاب مقدسی از انجیل و نوکیشی (تولد تازه). یکی از روشهای نشان دادن اهمیت این موارد، آن است که سرنوشت جماعت‌های کلیسایی که نشانه‌های مزبور را ندارند، مورد توجه قرار دهیم. موعظه‌ها به آسانی می‌توانند تبدیل به تکرار مبتذل حقایقی شوند که همه می‌دانند. مسیحیت ممکن است تبدیل به فرهنگی غیرمتمایز از فرهنگ غیردینی اطراف گردد. انجیل را می‌توان به نوعی تبدیل به کتابی نمود که تا حدودی به ما کمک روحانی می‌کند. نوکیشی (تولد تازه) را می‌توان از عمل خدا تبدیل به راه حل انسانی نمود. اما چنین جماعت‌های کلیسایی با موعظه‌های سطحی، تفکر غیردینی،

## ۹ نشانه کلیسای سالم

انجیل خود محوری که تنها افراد را تشویق به یک بار اقرار به ایمان به مسیح می‌کنند (کاربرد اشتباه رومیان ۱۰: ۹)، نمی‌توانند منادیان خوبی برای مژدهٔ عظیم نجات در مسیح باشند.

**بشارتی که بر اساس درک درست از نوکیشی (تولد تازه) شکل گرفته است - درک کتاب-**

مقدسی از بشارت، برای همهٔ اعضای کلیسا، خصوصاً رهبران که امتیاز و مسئولیت تعلیم به آنها سپرده شده، امری حیاتی است. چگونگی بشارت انجیل توسط ما، البته رابطهٔ نزدیکی با چگونگی درکمان از انجیل دارد. اگر ذهن شما بوسیلهٔ کتاب مقدس بر شناخت خدا و خبر خوش انجیل، نیاز انسان و تولد تازه شکل گرفته باشد، آنگاه به‌طور طبیعی، بشارت درست به دنبال آن خواهد آمد. برای در میان گذاشتن انجیل با دیگران، بیش از آنکه بکوشیم به مردم روشها و تدابیر بشارت را بیاموزیم، باید در پی شناخت و تعلیم خود انجیل باشیم.

**تعریف بشارت - از لحاظ کتاب مقدسی، بشارت عبارت است از عرضهٔ آزادانهٔ مژدهٔ انجیل و**

اعتماد به خدا برای ارائهٔ تولد تازه به مردم (به اعمال ۶: ۱۴ مراجعه کنید). "نجات در دست خداوند است" (یونس ۲: ۹- مژده؛ همچنین در یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). اگر به هر وجهی بخواهیم به زور موجب تولدهای روحانی شویم، تأثیر کارمان درست مانند آن است که حزقیال بخواهد استخوانهای خشکی که در رویا دید با چسب به هم بچسباند، یا نيقوديموس بکوشد به خودش تولد تازه بدهد. نتیجهٔ یکسان است.

**خداست که به مردم تولد تازه (نوکیشی) می‌دهد - اگر تولد تازه را تنها وقف صمیمانه‌ای که**

یکبار انجام داده‌ایم تلقی کنیم، آنگاه باید هرطور می‌توانیم، همهٔ افراد را به نقطه‌ای برسانیم که به زبان اقرار به ایمان و وقف به مسیح کنند. اما از دیدگاه کتاب مقدسی، اشتیاق ما برای متقاعد کردن و درخواست از مردم برای ایمان آوردن مسیح در درجهٔ اول باید همراه با وفاداری به عرضهٔ همان مژدهٔ انجیلی باشد که خدا برای ما مکشوف کرده است. وقتی مژدهٔ انجیل را به این صورت می‌رسانیم، خدا نیز به مردم تولد تازه می‌بخشد (به یوحنا ۱: ۱۳؛ اعمال ۱۸: ۹-۱۰ مراجعه کنید).

## ۹ نشانه کلیسای سالم

اغلب وقتی نوایمانان مسیحی مشتاقانه با هشیاری درونی، ماهیت فیض‌آمیز نجات خود را بیان می‌کنند، بسیار دلگرم می‌شویم. احتمالاً شهادتهایی را حتی در چند هفته یا چند ماه گذشته شنیده‌اید که به شما یادآور می‌شوند، تولد تازه کار خداست. "زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست - و نه از اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود ببالد" (افسیان ۲: ۹ و ۸- هزاره).

### هنگامی که آمار عضویت بیش از تعداد شرکت‌کنندگان در جلسات است - هنگامی که

تعداد اعضای یک کلیسا به طور چشم‌گیری بیش از شمار شرکت‌کنندگان در جلسات باشد، این سؤال مطرح می‌شود: آیا این کلیسا دارای درک کتاب‌مقدسی از نوکیشی و تولد تازه هست؟ از این گذشته، باید بپرسیم از چه نوع بشارتی استفاده شده که چنین تعداد زیادی از اعضای کلیسا در حیات آن درگیر نیستند و با وجود این، عضویتشان را گواهی بر نجات خود می‌پندارند؟ آیا کلیسا نسبت به این وضعیت اعتراضی دارد یا اینکه با سکوت آن را مورد چشم‌پوشی قرار داده است؟ انضباط و تأدیب کلیسایی بر اساس کتاب‌مقدس بخشی از بشارت کلیساست.

### سه حقیقتی که باید روشن ساخت - من در هنگام بشارت، می‌خواهم سه نکته را درباه

تصمیمی که مردم در هنگام پذیرش انجیل بگیرند، روشن سازم، که تصمیمی است که:

- اول، بهای زیادی دارد (و بنابراین باید به دقت و با فکر باز و درست آن را اتخاذ کرد، به لوقا ۹: ۶۲ مراجعه نمایید)؛
- دوم، ضروری است (و بنابراین فوریت دارد، به یوحنا ۳: ۱۸، ۳۶ مراجعه نمایید)؛
- سوم، باارزش است (و بنابراین اتخاذ آن کار درستی است، به یوحنا ۱۰: ۱۰ مراجعه نمایید).

## ۹ نشانه کلیسای سالم

باید بکوشیم این تعادل را در هنگام بشارت به اعضای خانواده و دوستانمان حفظ کنیم. تلاش ما به عنوان کلیسا نیز باید حفظ این تعادل باشد.

**منابع** - منابع بسیار خوبی درباره بشارت به چاپ رسیده است. به منظور حفظ ارتباط نزدیک میان درک ما از انجیل و روشهای بشارتی که مورد استفاده قرار می‌دهیم، پیشنهاد می‌کنم کتاب *حقیقت را بگوئید (Tell the Truth)* نوشته ویل متزگر (انتشارات اینتروارسیتی) و نیز کتابهای *نظام دعوت (The Invitation system)* و *نیز بیداری و بیداری‌گرایی (Revival and Revivalism)* نوشته آیین مورری (انتشارات بنر آو تروث) را مطالعه نمایید.

پس یک نشانه دیگر یک کلیسای سالم، درک کتاب مقدسی و مبادرت به بشارت است. تنها رشد واقعی، رشدی است که خدا به ما می‌دهد.

## پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. نویسنده، بشارت را "عرضه آزادانه مژده انجیل و اعتماد به خدا برای ارائه تولد تازه به مردم" تعریف می‌کند. بشارت دادن ما از درک این موضوع که خدا کار تولد تازه را انجام می‌دهد، چگونه تأثیر می‌گیرد؟ اگر ما خودمان را قانع کنیم که لزوماً تصمیم و انتخاب تولد تازه یافتن، نهایتاً کار انسان است، در روند بشارت ما چه رخ می‌دهد؟
۲. آیا تعداد اعضای کلیسای شما بسیار بیشتر از شمار شرکت‌کنندگان در جلسات است؟ اگر چنین است، دلایل آن از نظر شما چه می‌تواند باشد؟ آیا بشارت کلیسایی شما، شامل عرضه متعادل و سالم انجیل است؟ برای یافتن تعادل بیشتر چه باید کرد؟
۳. منظور نویسنده از اینکه می‌گوید تصمیم به پیروی از مسیح "بهای زیادی دارد"، چیست؟ وقتی می‌گوید این تصمیم "ضرورت دارد"، منظور چیست؟ وقتی می‌گوید "ارزش دارد" چه منظوری دارد؟ کدام آیات از کتاب مقدس، این سه حقیقت را تعلیم می‌دهند؟

## ۶

### درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۱. عضویت در کتاب مقدس
۲. عضویت، سرسپردگی است
۳. شکاف بزرگ میان عضویت و فعال بودن
۴. عضویت یک مسئولیت است
۵. عضویت، شهادتی شراکتی از نجات است
۶. عضویت پر معنا

**عضویت در کتاب مقدس** - آنچه ما امروزه به عنوان "عضویت در کلیسا" می‌شناسیم، به یک معنا کتاب مقدسی نیست. مدرکی از مسیحیان قرن اول، مثلاً در اورشلیم مرکزی در دست نداریم که نشان‌دهنده ارجح شمردن فعالیت و مشارکت در یک جمع مسیحی بخصوص نسبت به سایر مجامع مسیحی توسط آنان باشد. آنچه می‌توان گفت این است که مسیحیان به بررسی کلیساهای مختلف برای انتخاب یکی و عضویت در آن نمی‌پرداختند چون فقط یک کلیسا در آن جامعه وجود داشت. از این جهت، فهرستی از اعضای کلیسا در عهد جدید وجود ندارد. اما در کتابهای عهد جدید فهرستهایی از اسامی افرادی که وابسته به کلیسا بودند، وجود دارد. این افراد یا بیوه‌زنانی بودند که تحت حمایت کلیسا قرار داشتند (۱ تیموتائوس ۵) و یا کسانی که نامشان در کتاب حیات بره وجود داشت (فیلیپیان ۴: ۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷). در عهد جدید، متونی وجود دارد که به روشنی بیانگر مفهوم و حدود عضویت کلیسایی است. کلیساهای، اعضای خود را می‌شناختند. به عنوان مثال،

## ۹ نشانه کلیسای سالم

نامه‌های پولس به کلیسای قرنتیان نشان می‌دهد که برخی باید از عضویت محروم می‌شدند (مثال: ۱قرنتیان ۵) و برخی را باید به میان خود می‌پذیرفتند (مثال: ۲قرنتیان ۲). در مثال دوم، پولس حتی به "اکثریتی" اشاره می‌نماید که تنبیه محرومیت از عضویت کلیسا را "اعمال" کرده‌اند (۲قرنتیان ۲: ۶). این "اکثریت" می‌تواند اشاره به اکثریت افرادی باشد که اعضای کلیسا تلقی می‌شدند.

**عضویت، سرسپردگی است -** عضویت کلیسایی در میان مسیحیان به عنوان تلاشی برای به هم پیوستن در مسئولیت و محبت تلقی می‌شود. وقتی ما خود را عضو کلیسای معینی معرفی می‌کنیم، به شبانان و اعضای آن کلیسای محلی اجازه می‌دهیم ما را به عنوان شرکت‌کننده، دهنده هدایا، هم دعا و فردی آماده به خدمت و سرسپرده بشناسند. بدین ترتیب سطح انتظارات افراد را از خودمان در این حوزه‌ها بالا می‌بریم و همچنین روشن می‌سازیم که ما در حیطه مسئولیت این کلیسای محلی هستیم. کلیسا را از وقف خود به مسیح در خدمتی که انجام می‌دهند، مطمئن می‌سازیم و از ایشان می‌خواهیم تا خود را وقف خدمت به ما در محبت نمایند و ما را در شاگردی دلگرم سازند.

بدین معنا، عضویت کلیسا یک تفکر کتاب‌مقدسی است. این مفهوم را می‌توان در تشبیه کلیسای محلی به بدن در نوشته‌های پولس یافت. همچنین در مفهوم نجات یافتن بوسیله فیض مسیح و نهادن ما در کلیسا برای خدمت او با محبت توسط خدمت به دیگران نیز به چشم می‌خورد. در متن‌های مختلف کلام خدا، عبارات "با همدیگر" و "به یکدیگر" نشانگر وظایف متقابل ما نسبت به همدیگر است. در عهدنامه یک کلیسای سالم (در ضمیمه کتاب حاضر)، همه این مفاهیم در یکجا جمع می‌شود.

تعجبی ندارد که تصور ما از عضویت کلیسا، نقش مهمی در درکمان از بشارت، تولد تازه و انجیلی همراستا با کتاب‌مقدس، دارد. هر قدر درک بهتری داشته باشیم، نگرشمان نسبت به



## ۹ نشانه کلیسای سالم

عضویت به عنوان نوعی وابستگی سست و بی‌قاعده که فقط گهگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد، تبدیل به احساس مسئولیت و درگیری دائمی در زندگی یکدیگر در جهت رسیدن به آرمانهای انجیل خواهد شد.

**شکاف بزرگ میان عضویت، و فعال بودن در کلیسا -** شکاف بزرگ میان عضویت کلیسا و شمار کسانی که فعالانه درگیر خدمات کلیسایی هستند، امر نامعمولی نیست. تصور کنید کلیسایی ۳۰۰۰ عضو داشته باشد اما فقط ۶۰۰ نفر به طور معمول در جلسات شرکت کنند. هراس من از این است که بسیاری از شبانان تبشیری امروز، بیش از آنکه از شمار کم شرکت‌کنندگان فعال در جلسات افسرده باشند، از فهرست به ثبت رسیده اعضای کلیسایشان احساس غرور می‌کنند. طبق برآورد اخیر مجمع کلیساهای باپتیست جنوبی، این موضوع در میان کلیساهای تابعه آن رایج است. کلیسای باپتیست جنوبی به طور معمول حدود ۲۳۳ عضو و ۷۰ شرکت‌کننده در جلسات عبادت صبح یکشنبه دارد. آیا وضعیت هدیه دادن ما بهتر از این است؟ کدام کلیسایی است که بودجه‌اش دستکم برابر ۱۰٪ از جمع کل درآمد اعضایش باشد؟

**عضویت یک مسئولیت است -** گذشته از محدودیتهای جسمی که مانع شرکت در جلسات می‌شود یا بارهای مالی که مانع هدیه دادن می‌گردد، آیا این وضعیت نشانگر آن نیست که عضویت به عنوان درگیر بودن در فعالیتهای کلیسایی قلمداد نمی‌شود؟ این‌گونه اعداد و ارقام عضویت به چه معناست؟ اعداد مکتوب می‌توانند به آسانی تبدیل به شمایل‌های حکاکی شده یا راحتتر بگوییم، تبدیل به بُت شوند. اما به عقیده من، خدا بیش از شمردن این اعداد و ارقام، زندگی ما را ارزیابی می‌کند و عملکردمان را می‌سنجد. اگر کلیسا را ساختمان در نظر بگیریم، ما آجرهای آن هستیم؛ اگر کلیسا بدن باشد، ما اعضای آنیم؛ اگر کلیسا خانواده ایمانی است، ما نیز در این خانواده سهمی داریم. گوسفندان در گله هستند و شاخه‌ها بر درخت تاک می‌رویند. از لحاظ کتاب مقدسی، اگر کسی مسیحی است، باید عضو کلیسایی باشد. جدا از نحوه انجام موارد خاص، مثلاً اینکه

## ۹ نشانه کلیسای سالم

فهرست اعضا روی کارتهای سفید نگهداری می شود یا دیسکهای کامپیوتری و غیره، ما هرگز نباید جمع شدن منظم خود را فراموش کنیم (عبرانیان ۱۰: ۲۵). عضویت ما در کلیسا تنها بیانیه‌ای که یکبار در گذشته به ثبت رسانیده‌ایم یا تعلق خاطر به یک مکان آشنا، نیست. عضویت بازتاب تعهدی است که در زندگی داریم، وگرنه بی‌ارزش و حتی می‌توان گفت خطرناک است.

**عضویت یک شهادت مشترک از نجات است -** اعضای که خود را درگیر فعالیتهای کلیسایی نمی‌کنند، هم اعضای واقعی را سرگردان وامی‌گذارند و هم غیرمسیحیان را نسبت به معنی مسیحی بودن، گیج می‌کنند. اعضای "فعال" هنگامی که اجازه می‌دهند اعضای که عمداً "غیرفعال" هستند همچنان عضو کلیسا باقی بمانند، خدمتی به ایشان نمی‌کنند؛ زیرا عضویت، تأیید جمعی از نجات هر فرد است. دوباره می‌گوییم، این موضوع باید به روشنی درک شود: عضویت در کلیسا، تأیید جمعی از نجات هر یک از اعضا است. اما چگونه یک جماعت کلیسایی می‌تواند با صداقت در مورد کسی که معمولاً نمی‌بینند، شهادت دهند که او با امانت در میدان زندگی ایمانی خود می‌دود؟ اگر شماری از اعضای کلیسا، جمع ما را ترک کرده‌اند و به کلیسای معتقد به کتاب-مقدس دیگری نرفته‌اند، براساس کدام شواهد و مدارک می‌توانیم ثابت کنیم که آنها جزئی از ما بوده‌اند؟ لزوماً نمی‌توانیم بگوییم که افرادی که خود را درگیر فعالیت در کلیسا نمی‌کنند، مسیحی نیستند؛ اما به طور ساده نمی‌توانیم تأیید کنیم که مسیحی هستند. نباید به آنها بگوییم که معتقدیم آنها به جهنم می‌روند، بلکه سخن ما این است که نمی‌توانیم یقین بدانیم که به بهشت خواهند رفت.

**عضویت پرمعنا -** عضویت کلیسا براساس کتاب مقدس مستلزم صداقت افراد است نه کمال آنها. عضو شدن در کلیسا، دعوت به اتخاذ یک تصمیم نیست بلکه متضمن شاگردی حقیقی است. این موضوع فقط مربوط به تجربیات فردی نمی‌شود بلکه تأیید جمعی کسانی است که نسبت به خدا و به همدیگر متعهد شده‌اند. من شخصاً امیدوارم تعداد اعضای کلیسای محل خدمتم با معناتر

## ۹ نشانه کلیسای سالم

بشود، بدین معنا که تمامی کسانی که فقط نامشان در فهرست اعضای کلیساست، تبدیل به اعضای واقعی شوند. برای بسیاری از افراد، این موضوع به منزله پاک شدن اسمشان از فهرست اعضا (اما نه از قلبهای ما) بوده است. برای دیگران، به معنای وقفی تازه به حیات کلیسایی بود. به اعضای جدید تعالیمی در تقویت ایمان و حیات کلیسا داده می‌شود. بسیاری از اعضای کنونی کلیسا نیازمند تعالیم مشابه و تشویق و دلگرمی هستند. هنگامی که ما تلاشمان را برای تبدیل کلیسایمان به کلیسای سالم باپتیستی که در گذشته دور بودیم، نمودیم، تعداد شرکت‌کنندگان در جلسات بار دیگر از تعداد اعضای کلیسا بیشتر شده است. یقیناً شما نیز برای کلیسای خود همین آرزو را دارید.

انجام کار ترمیمی و دقیق بر عضویت کلیسا فواید زیادی خواهد داشت. شهادت ما به غیرمسیحیان روشن‌تر خواهد گردید. دور شدن گوسفندان ضعیفتری که هنوز خود را به عنوان گوسفند می‌شناسند، از گله سخت‌تر خواهد شد. به شکل‌گیری و تمرکز بر شاگردی مسیحیان بالغ‌تر کمک می‌شود. رهبران کلیسای ما دقیقاً می‌دانند مسئولیت چه کسانی را تقبل کرده‌اند. در همه این جنبه‌ها، خدا جلال می‌یابد.

دعا کنید که عضویت کلیسا معنای بیشتری از آنچه در حال حاضر دارد، بیابد تا بتوانیم شناخت بیشتری از کسانی بیابیم که مسئولیتشان را برعهد داریم، برای آنها دعا کنیم، آنها را تشویق نماییم و به چالش بکشیم. ما نباید بگذاریم افراد به دلایل احساسی، عضویتشان را در کلیسا حفظ کنند. از لحاظ کتاب مقدسی، اینگونه عضویت، به هیچ وجه عضویت محسوب نمی‌شود. در عهدنامه کلیسایمان ما قول می‌دهیم که "وقتی به جای دیگری نقل مکان کردیم، بکوشیم هرچه زودتر به کلیسای دیگری بپیوندیم و این عهد و اصول کلام خدا را همچنان ادامه دهیم." این تعهد، بخشی از شاگردی سالم، خصوصاً در عصر ناپایدار معاصر ماست.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

معنای عضویت کلیسا، شراکت در بدن مسیح به شیوه‌ای خاص است. بدین معنا، ما به عنوان غریبان و بیگانگان در این دنیا، به مقصد خانه آسمانی با هم همسفر می‌شویم. به طور یقین، یکی دیگر از نشانه‌های یک کلیسای سالم، درکی کتاب مقدسی از عضویت کلیسایی است.

### پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. آیا کتاب مقدس اشاره صریحی به فهرست عضویت کلیسای محلی می‌کند؟ در کجا اشاره تلویحی به این موضوع شده است؟ اقرنتیان ۱۲: ۱۴-۲۶ را مطالعه کنید. عضویت کلیسایی چگونه می‌تواند به ما به عنوان افراد مسیحی و بدن مسیح کمک کند تا این وظایف را در زندگی روزمره به انجام رسانیم؟
۲. نگارنده می‌نویسد که ما باید «نگریشان نسبت به عضویت به عنوان وابستگی سست و بی‌قاعده‌ای که فقط گهگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد، تبدیل به احساس مسئولیت و درگیری دائمی در زندگی یکدیگر در جهت رسیدن به آرمانهای انجیل» شود. در پرتو این عبارت، اعضای کلیسای شما چه دیدگاهی نسبت به عضویت خود دارند؟ مسئولیت‌های یک عضو کلیسا چیست؟ انجام این مسئولیت‌ها چه نقشی در خدمت انجیل دارد؟
۳. نگارنده معتقد است که عضویت کلیسا باید بازتابی از یک زندگی وقف شده به مسیح باشد، وگرنه بی‌ارزش و حتی خطرناک است. چرا ممکن است این استدلال درست باشد؟ یک زندگی وقف شده به مسیح و کلیسای او چه شکلی دارد؟
۴. نگارنده می‌نویسد، عضویت کلیسا شهادت مشترک کلیسا بر نجات فرد فرد اعضاست. عبرانیان ۱۳: ۱۷ را مطالعه کنید. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که رهبران کلیسا موظف هستند تا برای کسانی که تحت مراقبت و شبانی ایشان هستند، "حساب پس بدهند".

## ۹ نشانهٔ کلیسای سالم

آیا فکر می‌کنید این "حساب پس دادن" فقط این است که شخصی یکبار تصمیم خود را برای ایمان به مسیح ابراز کرده یا شهادتی پربصیرت از ثمرات وفادارانۀ افراد در خدمت انجیل است؟ این موضوع چه تأثیری بر درک ما از افرادی دارد که باید در فهرست اعضای کلیسا باشند؟

۵. نگارنده چند فایدهٔ حفاظت دقیق از فهرست اعضای کلیسا را بیان می‌کند. یک درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا چگونه شهادت ما را برای غیرمسیحیان واضح‌تر می‌سازد؟ این امر چگونه باعث می‌شود که برای مسیحیان ضعیفتری که هنوز خود را مسیحی می‌دانند، دور شدن از گله سخت‌تر شود؟ این امر چگونه به شکل‌گیری و تمرکز بر شاگردی مسیحیان بالغ کمک می‌کند؟

## ۷

### تنبیه کلیسایی کتاب مقدسی

I. خدا خواستار قدوسیت است

II. قضاوت کردن

III. خدا از کلیسا انتظار دارد که قضاوت کند

IV. درب جلو را ببندید، درب عقب را باز کنید

V. پذیرش اعضای جدید

VI. مسئولیت تنبیه و توبیخ

VII. پنج دلیل تنبیه انضباطی

هفتمین نشانه یک کلیسای سالم، انجام منظم و باقاعده انضباط کلیسایی است. انضباط کلیسایی بر اساس کتاب مقدس، به عضویت کلیسا معنا می‌بخشد. هرچند کلیساها از زمان مسیح مبادرت به آن کرده‌اند، اما قاعده‌مندی آن در حیات کلیساهای بشارتی در چند نسل گذشته از بین رفته است.

**خدا خواستار قدوسیت است** - ما انسانها اصولاً به صورت خدا آفریده شده‌ایم تا شاهدانی از شخصیت خدا در برابر آفرینش او باشیم، (پیدایش ۱: ۲۷). پس تعجبی ندارد که در سراسر عهد عتیق، در حالیکه خدا قومی را برای خود تشکیل می‌داد، به آنان قدوسیت را می‌آموخت تا شخصیتی نزدیکتر به شخصیت خود او بیابند (لاویان ۱۹: ۲؛ امثال ۲۴: ۱، ۲۵). همین امر اساس اصلاح و تأدیب، و حتی محروم ساختن برخی از جماعت در عهد عتیق بود (به عنوان مثال: اعداد

## ۹ نشانه کلیسای سالم

۱۵: ۳۰-۳۱)، و سپس پایه‌ای برای شکل‌گیری کلیسای عهد جدید نیز گردید (مراجعه کنید به: ۲قرن‌تیاں ۶: ۱۴-۷؛ ۱: ۱۳؛ ۲؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۳-۵؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۵).

**قضاوت -** اما این طرز تفکر در نظر مردم امروزی بسیار منفی می‌نماید. گذشته از هر چیز، مگر خداوند ما عیسی قضاوت کردن را در متی ۷: ۱ ممنوع ساخت؟ عیسی به طور یقین قضاوت کردن را به یک معنا در متی ۷: ۱ ممنوع ساخت؛ اما مگر در همان انجیل او به روشنی ما را دعوت ننموده تا دیگران را بخاطر گناهشان توبیخ کنیم، و پا را فراتر نهاده آنها را در جمع توبیخ نماییم (متی ۱۸: ۱۵-۱۷؛ رجوع کنید به لوقا ۱۷: ۳). پس منظور عیسی از ممنوع ساختن قضاوت کردن در متی ۷: ۱ هرچه بوده باشد، مطمئناً نمی‌خواسته است تا به طور همه جانبه، از "قضاوت کردن" در تمامی معانی‌اش جلوگیری نماید.

خود خدا یک قاضی و داور است. او در باغ عدن حضور داشت و تا زمانی که ما در گناهانمان باقی بمانیم، همچنان تحت محکومیت عادلانه از سوی او قرار داریم. در عهد عتیق، خدا هم ملتها را محکوم می‌کرد و هم افراد را، و در عهد جدید به ما مسیحیان هشدار داده شده که اعمالمان مورد قضاوت قرار خواهد گرفت (مراجعه کنید به ۱قرن‌تیاں ۳). خدا با محبت فرزندانش را تأدیب می‌کند، و با غضب بی‌دینان را محکوم می‌نماید (مراجعه کنید به ۱۲). البته در روز آخر، خدا خود را به عنوان داور نهایی آشکار خواهد ساخت (مراجعه کنید به مکاشفه ۲۰). خدا در هیچیک از قضاوت‌هایش اشتباه نمی‌کند، و همواره عادل است (مراجعه کنید به یوشع ۷: متی ۲۳؛ لوقا ۲؛ اعمال ۵؛ رومیان ۹).

**خدا از کلیسا انتظار قضاوت دارد -** امروزه برای بسیاری از مردم تعجب‌آور است که بدانند خدا از دیگران نیز انتظار داوری و قضاوت دارد. این مسئولیت به دولتها داده شده است (مراجعه کنید به رومیان ۱۳). از ما نیز خواسته شده تا خودمان را بیازماییم (مراجعه کنید به ۱قرن‌تیاں ۱۱: ۲۸؛ عبرانیان ۴؛ ۲پطرس ۱: ۵). همچنین کلام خدا به ما می‌گوید در کلیسا همدیگر را بیازماییم (اما

## ۹ نشانه کلیسای سالم

نه آنطور که خدا داوری نهایی را انجام می‌دهد). سخنان عیسی در متی ۱۸، پولس در اقرنتیان ۵-۶، و متن‌های بسیار دیگر، به روشنی نشان می‌دهد که کلیسا باید در میان خود داوری نماید و این داوری نه به نیت انتقام‌گیری، به منظور رهایی است (رومیان ۱۲: ۱۹). پولس در مورد مرد زناکار قرنتسی، و معلمان دروغین افسس، می‌گوید که آنها را باید از جلسات کلیسایی محروم کرد و به شیطان سپرد تا عبرت بگیرند و جانهایشان نجات یابد (مراجعه کنید به اقرنتیان ۵؛ تیموتائوس ۱).

داوری خواسته شده از ما، امر شگفت‌آوری نیست. گذشته از هر چیز، اگر نتوانیم تشخیص دهیم که زندگی مسیحی باید چگونه نباشد، چطور می‌توانیم بگوییم که یک فرد مسیحی باید چگونه زندگی کند؟ یکی از نگرانی‌های من درباره عملکرد بسیاری از برنامه‌های شاگردی کلیساها این است که مانند آب ریختن در سطل سوراخ هستند، بدین معنا که تمامی توجه به آبی است که ریخته می‌شود، نه به وضعیت گیرنده و چگونگی نگه‌داری آن.

**درب جلو را ببندید، درب عقب را باز کنید -** یکی از نویسندگان کتابهای رشد کلیسایی، اخیراً توصیه خود را برای رشد کلیسا اینطور خلاصه کرده است: "درب جلو را باز کنید و درب عقب را ببندید." منظور او این است که تلاش کلیسا باید استقبال بیشتر از مردم و پی‌گیری گسترده‌تر باشد. هر دوی این اهداف خوب است. اما، اکثر شبانان امروزی درب جلو را باز گذاشته‌اند و می‌کوشند درب عقب را بسته نگاه دارند. ولی اگر بخواهیم از سرمشق کتاب مقدسی پیروی کنیم، باید این خط مشی را دنبال نماییم: "درب جلو را ببندید و درب عقب را باز بگذارید." به بیان دیگر پیوستن به کلیسا را از یک سو سخت‌تر، و محروم شدن از مجامع کلیسایی را در سوی دیگر آسان‌تر کنید. این خط مشی، به کلیسا کمک می‌کند تا جایگاه الهی و تمایز با دنیا را به طور شایسته، باز یابد.



## ۹ نشانه کلیسای سالم

**پذیرش اعضای جدید -** این انضباط باید در حله اول در شیوه پذیرش اعضای جدید ما منعکس شود. آیا ما از کسانی که می‌خواهند عضو کلیسایمان شوند، می‌خواهیم نشان دهند که مسیح در زندگیشان برترین جایگاه را دارد؟ آیا به جدیت مسئولیتی که در قبال آنها داریم و مسئولیت آنها در برابر خودمان، پی برده‌ایم؟ اگر با دقت بیشتری عضوگیری‌مان را مورد توجه قرار دهیم، بعدها شاهد انضباطهای کلیسایی کمتری خواهیم بود.

**انجام مسئولیت انضباط و توبیخ -** البته هر نوع انضباط کلیسایی ممکن است با شیوه نادرستی انجام شود. عهد جدید به ما می‌آموزد که افراد را به دلیل نیت‌هایی که به آنها نسبت می‌دهیم، محکوم نکنیم (مراجعه کنید به متی ۷: ۱)، یا همدیگر را در موارد غیراساسی محکوم ننماییم (رومان ۱۴-۱۵). این امر مسائل کاربردی شبانی زیادی را به همراه دارد، اما باید به خاطر داشت که زندگی مسیحی به طور کلی دشوار، و در معرض سوءتعبیر است. مشکلات نباید دستاویزی برای عمل نکردن به این اصول باشد. هر کلیسای محلی مسئول قضاوت کردن زندگی و تعلیم رهبران خود و حتی اعضایش می‌باشد، خصوصاً در حیطة محکم نگاه داشتن شهادت کلیسایی‌شان به انجیل (رجوع کنید به اعمال ۱۷؛ اقرنتیان ۵؛ تیموتائوس ۳؛ یعقوب ۳؛ ۱؛ ۲ پطرس ۳؛ ۲ یوحنا).

**پنج دلیل انضباط اصلاحی -** انضباط کلیسایی کتاب مقدسی به سادگی اطاعت از خدا و اقرار به نیاز ما برای دریافت کمک است. پنج دلیل مثبت برای چنین انضباط اصلاحی کلیسایی به شرح زیر است. هدف مثبت آنها: (۱) انضباط افراد، (۲) مسیحیان دیگر که خطر گناه را مشاهده می‌کنند، (۳) سلامت کلیسا به طور کلی، و (۴) شهادت مشترک کلیساست. مهمترین دلیل مثبت آنکه: (۵) قدوسیت ما باید بازتاب قدوسیت خدا باشد. عضویت ما در کلیسا باید پرمعنا باشد، بخاطر جلال نام خدا نه اینکه به خود مغرور شویم. انضباط کلیسایی کتاب مقدسی یکی دیگر از نشانه‌های یک کلیسای سالم است.

## پرسشهایی برای تعمق بیشتر

۱. یوحنا ۵: ۲۷-۳۰ را مطالعه کنید. پدر به چه کسی قدرت داوری را عطا کرده است؟ اکنون متی ۱۸: ۱۷-۱۵ را مطالعه کنید. عیسی به چه کسانی قدرت داوری در این جهان را اعطا کرده است؟ آیا کلیسا با وفاداری این مسئولیتی را که خداوند ما به ما سپرده به انجام می‌رساند؟
۲. اقرنتیان ۵: ۱-۲ را مطالعه کنید. پولس می‌گوید کلیسای قرنتس باید در قبال آن عضو گناهکار چه کند؟ اکنون آیات ۳-۵ را مطالعه نمایید. کلیسا باید با چه اقتداری (به نام چه کسی) عمل نماید؟ امید غایی چنین عملی چیست؟ آیا فکر می‌کنید پولس انضباط کلیسایی را عملی خشن و عاری از احساس قلمداد می‌کرد یا عملی از سر محبت می‌انگاشت که برای جان افراد، مفید است؟
۳. نویسنده‌ای اظهار می‌دارد که مسیحیان باید "درب جلوی کلیسا را باز بگذارند و درب عقب آن را ببندند." این عبارت چه معنایی دارد؟ نگارنده این کتاب می‌گوید که بجای این کار، ما باید "درب جلو را ببندیم و درب عقب را باز بگذاریم." از نظر شما کدام تفکر بیشتر به کتاب مقدس نزدیک است؟ فکر می‌کنید کدام تفکر بیشتر برای عضویت سالم کلیسایی سودمند است؟
۴. رومیان ۱۴: ۱-۴ را مطالعه کنید. برخی از راههای انضباط کلیسایی که ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند، کدامند؟ کمی درباره این موضوع بیندیشید که کلیسای شما چگونه می‌تواند با وفاداری و دقت، مأموریتی که خداوند در متی ۱۸: ۱۵-۱۷ به آن سپرده انجام دهد و در عین حال خود را در برابر سوءاستفاده حفظ نماید.



## توجه به ارتقای شاگردی و رشد مسیحی

- I. رشد مسیحی
- II. قدوسیت، گواهی به رشد می‌دهد
- III. فروگذاری در انضباط، مانعی در برابر رشد
- IV. رشد جمعی در کنار همدیگر
- V. چند نمود رشد
- VI. خدا در رشد کلیسا جلال می‌یابد

**رشد مسیحی** - نشانه متمایز دیگر یک کلیسای سالم، توجه فراگیر به رشد کلیسایی، نه فقط از لحاظ کمی بلکه رشد اعضای آن، است. امروزه بعضی چنین می‌اندیشند که یک شخص ممکن است در تمام دوران زندگی‌اش "کودک مسیحی" باقی بماند. از نظر آنها، رشد یک گزینه اضافی برای شاگردان غیور خاص است. اما رشد نشانه حیات محسوب می‌شود. درختان و حیواناتی که رشد می‌کنند، زنده‌اند. رشد شامل افزایش و پیشرفت است. در بسیاری از زمینه‌های تجربی ما، وقتی موجودی دیگر رشد نمی‌کند، می‌میرد.

پولس امیدوار بود که قرن‌تین در ایمان مسیحی‌شان رشد کنند (۲ قرن‌تین ۱۰: ۱۵). امید او برای افسسیان آن بود که "در هر مورد، در مسیح که سر است، رشد" کنند (افسسیان ۴: ۱۵-مژده؛ همچنین در کولسیان ۱: ۱۰؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۳). پطرس برخی از مسیحیان اولیه را نصیحت می‌نمود که «همچون نوزادگان مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن در نجات

## ۹ نشانه کلیسای سالم

خود نمو کنید» (۱ پطرس ۲:۲- هزاره). شبانان همواره وسوسه می‌شوند تا کلیسای خود را تا حد آمار قابل مدیریت شرکت‌کنندگان، تعمیدگیرندگان، هدیه دهندگان و عضویت تقلیل بدهند، یعنی در حد ارقام و اعداد قابل لمس؛ اما اینگونه آمارها فاصله زیادی با رشد حقیقی‌ای دارد که پولس توصیف می‌کند و در اراده خداست.

**قدوسیت، گواهی به رشد می‌دهد -** جانتان ادواردز، در کتاب شرحی بر عواطف (تأثیرات، علایق) مذهبی، اظهار می‌دارد که رشد حقیقی در شاگردی مسیحی در نهایت، صرفاً ابراز هیجان، استفاده روزافزون اصطلاحات مذهبی یا دانش‌اندوزی از کلام خدا نیست. رشد واقعی حتی در افزایش آشکار شادی یا محبت یا توجه به کلیسا نیز نیست. افزایش غیرت و پرستش خدا و ایمان محکم نیز نمی‌توانند شواهد مصون از خطای رشد واقعی مسیحی باشند. پس چه؟ بنابه گفته ادواردز، در حالیکه اینها ممکن از شواهدی از رشد حقیقی مسیحی باشند، اما تنها نشانه قابل مشاهده مطمئن، زندگی‌ای همراه با قدوسیت روبه افزایش است که در مسیحیت منکر خود، ریشه گرفته باشد. کلیسا باید بوسیله توجه اساسی خود به اینگونه خداترسی روبه افزایش در زندگی اعضای خود، مشخص شود.

**فروگذاری از انضباط، مانعی در برابر رشد -** همانطور که در هفتمین نشانه مشاهده کردیم، یکی از عواقب غیرعمدی فروگذاری کلیسا از انضباط مناسب، افزایش مشکلات شاگردان در حال رشد است. در کلیسای بدون انضباط و توبیخ، سرمشقهای واضحی وجود ندارد و نمونه‌ها، گیج کننده‌اند. هیچ باغبانی علف هرز نمی‌کارد. علفهای هرز به خودی خود ناخواسته و ناخوشایند هستند و ممکن است اثرات بدی بر گیاهان اطراف خود بگذارند. نقشه خدا برای کلیسای محلی، به ما این اجازه را نمی‌دهد که علفهای هرز را به حال خود واگذاریم.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

**رشد جمعی در کنار همدیگر** - اثربخشی نیکوی یک جمع متعهد ایماندار می‌تواند وسیله خوبی در دست خدا برای رشد قوم او باشد. وقتی قوم خدا با همدیگر بنا می‌شوند و در قدوسیت و محبت از خود گذشته رشد می‌کنند، باید توانایی‌شان را برای اجرای توبیخ و انضباط بیشتر نمایند و مشوق شاگردی باشند. کلیسا موظف است مجرای برای قوم رشد یابنده خدا در فیض و رحمت باشد. اگر کلیسا تبدیل به جایی شود که فقط افکار شبان در آن تعلیم داده شود، و در عوض پرستش، خدا را زیر سؤال ببرد، که انجیل رقیق و بشارت به بی‌راهه برود، که عضویت کلیسا بی‌معنا شود و فرقه دروغینی حول محور شخصیت شبان ساخته شود، آنگاه به سختی می‌توان در انتظار یافتن جمعی همدل و مقدس بود. چنین کلیسایی به طور یقین خدا را جلال نخواهد داد.

**مظاهر رشد** - کلیساهایی موجب تجلیل نام خدا می‌شوند که رشد می‌کنند. این رشد می‌تواند به صورتهای گوناگون زیادی ظاهر شود، به طور مثال توسط: تعداد رو به رشد افرادی که برای خدمات کلیسایی دعوت الهی می‌یابند؛ اعضای سالمندتری که درک تازه‌ای از مسئولیتشان برای بشارت پیدا می‌کنند؛ شرکت بسیاری از جوانان کلیسا در مراسم تدفین افراد سالخورده، بخاطر محبتی که نسبت به ایشان دارند؛ افزایش دعا و اشتیاق به موعظه بیشتر؛ جلسات کلیسایی که بحث و تبادل نظر روحانی خودجوش در آنها روی می‌دهد؛ افزایش هدایای نقدی، از خود گذشتگی کسانی که هدیه می‌دهند؛ والدینی که از نو مسئولیت تربیت فرزندانشان را در ایمان درمی‌یابند. اینها فقط چند مثال از کلیسای رشد یابنده‌ای است که مسیحیان برای بوجود آمدنش دعا می‌کنند و به کار مشغول‌اند.

**رشد کلیسا موجب تجلیل نام خدا می‌شود** - وقتی کلیسایی را مشاهده می‌کنیم که اعضایش در شباهت به مسیح رشد می‌کنند، چه کسی مورد تجلیل قرار می‌گیرد؟ "خدا نمو می‌بخشید. لهذا نه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده" (۱قرن‌تیاں ۳: ۶-۷، قدیم؛ همچنین کولسیان ۲: ۱۹). به همین ترتیب دعای نهایی پطرس برای مسیحیان اولیه‌ای که در نامه‌اش

## ۹ نشانه‌ کلیسای سالم

مخاطب او بودند، به صورت امری بیان می‌شود: " بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح، دائماً رشد و نمو کنید. جلال بر او باد، از حال تا ابد، آمین" (۲ پطرس ۳: ۱۸-مژده). شاید با خود بگوییم که رشد ما باعث تجلیل و بزرگداشت خودمان می‌شود. اما پطرس این موضوع را به خوبی می‌داند. «کردارتان در میان بی‌ایمانان چنان پسندیده باشد که هرچند شما را به بدکاری متهم کنند، با مشاهده اعمال نیکتان، خدا را در روزی که به دیدار ما می‌آید، تمجید نمایند» (۱ پطرس ۲: ۱۲- هزاره). او آشکارا سخنان عیسی را به خاطر می‌آورد که فرمود: «پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستانند» (متی ۵: ۱۶- هزاره). کار و تلاش برای اعتلای شاگردی مسیحی و رشد، یکی دیگر از نشانه‌های کلیسای سالم است.

### پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. ۱ پطرس ۲: ۱-۳ را مطالعه کنید. امیدی که پطرس برای این مسیحیان دارد، چیست؟ از "رشد" در نجات چه منظوری دارد؟
۲. بعضی از مردم معتقدند که "رشد کلیسا" فقط به معنای رشد عددی است. اعمال ۲: ۴۱ را مطالعه کنید. به عقیده شما چرا تعداد نوایمانان در آن به ثبت رسیده است؟ اکنون بقیه باب ۲ را مطالعه کنید. آیا این اعداد و ارقام بزرگ نوایمانان بدون رشد در قدوسیت می‌توانست موجب تجلیل نام خدا شود؟ برای پاسخ مثبت یا منفی خود دلیل بیاورید.
۳. نگارنده می‌نویسد که علفهای هرز می‌توانند اثر بدی بر گیاهان اطرافشان بگذارند. اعضای غیرمتنبه و گناهکار کلیسا می‌توانند چه اثر منفی‌ای بر رشد مسیحیان اطرافشان بگذارند؟ تأثیرات خوب در کلیسا چگونه می‌توانند ابزاری در دست خدا برای رشد قوم او باشند؟ آیا می‌توانید چند نمونه از کلیسای خودتان در این مورد بیاورید؟

## ۹ نشانهٔ کلیسای سالم

۴. چند شیوهٔ اجرایی نام ببرید که خدا توسط آنها در کلیسایی که از لحاظ روحانی در حال بلوغ است، مورد تجلیل و تمجید قرار گیرد. شیوه‌هایی که در این میان به طور مستمر در حیات کلیسای شما قابل مشاهده هستند، کدامند؟

# ۹

## رهبری کلیسا بر اساس کتاب مقدس

- I. جایگاه شیخ در کتاب مقدس
- II. تاریخچه‌ای از مشایخ
- III. جماعت کلیسا مرجعیت نهایی دارد
- IV. تمامی مشایخ "تعلیم دهنده" هستند
- V. تعدد مشایخ
- VI. نقش ویژه شبان
- VII. مزایای تعدد مشایخ
- VIII. اشتباه گرفتن جایگاه مشایخ و شماسان

**جایگاه شیخ در کتاب مقدس -** رهبری یک کلیسای سالم با چه کسانی است؟ اعضای وقف شده‌ای از جماعت که عطای خدمت دارند؟ بله. شماسانی که سرمشق خدمت در امور کلیسا هستند؟ بله. شبانی که با امانت کلام خدا را موعظه می‌کنند؟ بله. اما از منظر کتاب مقدس افراد دیگری نیز بخشی از رهبری یک کلیسای سالم را بر عهده دارند و آنها مشایخ کلیسا هستند.

من به عنوان یک شبان، دعا می‌کنم که مسیح در میان جمع ما مردانی را قرار دهد که عطایای روحانی و توجهات شبانی‌شان نشانگر دعوت الهی از آنان برای شیخ یا ناظر شدن باشد (این دو واژه در کتاب مقدس به جای هم به کار رفته‌اند؛ مثلاً در اعمال ۲۰). دعا می‌کنم که خدا اینچنین شاگردانی را رشد بدهد و به آنها عطایا اعطا کند تا مسئولیت نظارت شبانی بر اعضای



## ۹ نشانه کلیسای سالم

کلیسا و تعلیم ایشان را عهده‌دار شوند. اگر مشخص شود که خدا به مردی در کلیسا چنین عطایایی داده و در صورتی که کلیسا نیز پس از دعا، عطایای وی را بازشناسد، آنگاه باید او را به عنوان شیخ تقدیس کرد.

**تاریخچه‌ای از مشایخ -** تمامی کلیساهای افرادی را به عنوان مشایخ، یا عناوین دیگر داشته‌اند. دو عنوانی که عهد جدید به این عملکرد می‌دهد *episcopos* (ناظر) و *presbuteros* (شیخ) است. بسیاری از مسیحیان بشارتی وقتی کلمه "شیخ" را می‌شنوند، بی‌درنگ به یاد کلمه "پرزبیتترین (کلیسای انجیلی یا مشایخی)" می‌افتند، اما در کلیساهای کانگریگیشنال در سده شانزده میلادی چنین تعلیم داده می‌شد که منصب شیخ، منصبی در کلیسای عهد جدید بوده است. در کلیساهای باپتیست آمریکا در سراسر سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی، مشایخی وجود داشتند. در واقع، دِلیو. بی. جانسون، نخستین رئیس مجمع باپتیست‌های جنوبی، مقاله‌ای درباره لزوم داشتن چند شیخ (مشایخ) بر اساس کتاب مقدس نوشت و درخواست نمود این رسم در کلیساهای باپتیست گسترش بیشتری یابد. اما درخواست آقای جانسون مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت. کلیساهای چه به دلیل بی‌توجهی به متن کلام خدا یا فشار زندگی که در صف پیشین‌بیداری وجود داشت و در آن میان کلیساهای جدید با سرعت شگفت‌انگیزی تأسیس می‌شدند، اینگونه رهبری منسجم را در میان خود نپذیرفتند. اما خبرنامه‌های باپتیست همچنان به بحث و تبادل نظر درباره احیای این منصب کتاب مقدسی ادامه می‌دادند. سرانجام در اوایل قرن بیستم، نشریه‌های باپتیست به ظهور رهبرانی با عنوان "شیخ" اشاره نمودند.

**جماعت کلیسا، مرجعیت نهایی دارد -** باپتیستها و پرزبیتترین‌ها دو تفاوت اساسی در درک عنوان شیخ دارند. نخستین و اساسی‌ترین تفاوتشان در این است که باپتیستها، جماعت‌گرا هستند. بدین معنا که به عقیده آنها تشخیص نهایی امور نه با مشایخ جماعت (یا بنا به الگوی پرزبیتترین‌ها، مقامات بالاتر از آنها)، بلکه با تمامی جماعت کلیساست. بنابراین، باپتیستها بر ماهیت رضایت و

## ۹ نشانه کلیسای سالم

یکدلی در عملکرد کلیسایی تأکید دارند. پس، در یک کلیسای باپتیست، مشایخ و تمامی دیگر هیئت‌ها و کمیته‌ها نهایتاً به عنوان مشاور کل جماعت کلیسا عمل می‌کنند.

تذکر دیگری درباره اقتدار جماعت کلیسایی می‌توان ارائه داد. هیچ مرجع تصمیم‌گیری برای حل دعاوی، بالاتر از جماعت کلیسایی محلی، بعد از مسیح وجود ندارد. در عهد جدید، بارها و بارها شواهدی از آنچه به نظر، شکل اولیه جماعت‌گرایی می‌رسد، می‌توان یافت. در متی ۱۸، هنگامی که عیسی به شاگردان درباره رویارویی با برادر گناهکار تعلیم می‌دهد، دادگاه نهایی نه هیئت مشایخ، نه اسقف و نه پاپ، یا شورا یا هیچ مجمع دیگری نیست. دادگاه نهایی، جماعت کلیساست. در اعمال ۶، رسولان تصمیم‌گیری درباره شماسان را به جماعت ایمانداران سپردند.

در نامه‌های پولس نیز، شواهدی را در مورد مسئولیت نهایی جماعت کلیسایی، می‌یابیم. در اقرنتیان ۵، پولس شبان کلیسا، مشایخ یا شماسان را ملامت نکرد بلکه جماعت کلیسا را برای تحمل گناه مورد سرزنش قرار داد. در اقرنتیان ۲، پولس به اکثریت ایشان که عضو خطاکار را متنبه کرده بودند اشاره می‌کند. در غلاطیان، پولس از جماعت‌های مؤمنین دعوت می‌کند تا تعلیمی که شنیده بودند، مورد قضاوت قرار دهند. در تیموتائوس ۴، او نه تنها معلمین دروغین، بلکه کسانی را نیز که به ایشان مزد می‌دادند تا تعلیمی بدهند که گوشه‌ایشان می‌خارید تا بشنوند، نکوهش می‌کند. مشایخ رهبری می‌کنند، اما براساس کتاب مقدس و بنابه ضرورت، در چهارچوبی که جماعت تشخیص می‌دهد، کار رهبری را انجام می‌دهند.

**همه مشایخ، "تعلیم‌دهنده" هستند -** دومین عدم توافق، بر سر نقش و مسئولیت‌های مشایخ است. پرزبیت‌ترین‌ها بر توصیه پولس به تیموتائوس در تیموتائوس ۵: ۱۷ تأکید دارند که می‌گوید: "مشایخی که نیکو رهبری کرده باشند، شایسته حرمتی دوچندانند، بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند" (هزاره). بعضی استدلال می‌کنند که آخرین عبارت، به روشنی نشان می‌دهد که کار اصلی برخی از مشایخ نه موعظه و تعلیم، بلکه مدیریت و تعیین خط

## ۹ نشانه کلیسای سالم

مشی بوده است. این امر منشأ اصلی تمایز میان "مشایخ تصمیم‌گیرنده" (مشایخ خارج از سلک روحانیت تحت استخدام کلیسا) و "مشایخ تعلیم‌دهنده" (کشیشان) در میان پرزبیت‌ترین‌ها بوده است.

اما ترجمه "بخصوص" از کلمه *malista*، ترجمه‌ای نارساست زیرا مفهوم درست‌تر آن "همانا" یا "به طور خاص" است. پیش از این، در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۰ چنین می‌خوانیم: "ما امید خویش را بر خدای زنده نهاده‌ایم که نجات‌دهنده جمله آدمیان، بخصوص (*malista*) مؤمنان است" (هزاره). گویی پولس در اینجا می‌گوید، تعداد مردمانی که بدون ایمان آوردن نجات می‌یابند برابر است با تعداد کسانی که بدون موعظه و تعلیم بخواهند کلیسا را رهبری نمایند: به بیان دیگر، این تعداد برابر صفر است.

باپتیست‌ها بر قابل جایگزین بودن اصطلاحات "شیخ"، "ناظر" و "شبان" در عهد جدید تأکید دارند و استدلال می‌کنند که در ۱ تیموتائوس ۳: ۲، پولس به روشنی به تیموتائوس گفت که مشایخ باید "قادر به تعلیم" باشند. او همچنین به تیطس نوشت که شیخ "پایدار بر کلام مطمئنی که تعلیم داده شده است تا بتواند دیگران را بر پایه تعلیم صحیح پند دهد و نظر مخالفان را رد کند" (تیطس ۱: ۹ - هزاره). بنابراین، باپتیست‌ها اغلب اقتضای وجود مشایخی را که قادر به تعلیم کلام خدا نباشند، نمی‌پذیرند.

**تعدد مشایخ -** با تمامی این احوال، باپتیست‌ها و پرزبیت‌ترین‌های قرن هیجدهم اغلب بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که باید در هر کلیسای محلی چند شیخ مشغول خدمت باشند. هرچند توصیه مشخصی در مورد تعداد این مشایخ برای هر جماعت محلی وجود ندارد، اما عهد جدید به روشنی اشاره به وجود "مشایخ" در کلیساهای محلی می‌نماید (به عنوان مثال در اعمال ۱۴: ۲۳؛ ۱۶: ۴؛ ۲۰: ۱۷؛ ۲۱: ۱۸؛ تیطس ۱: ۵؛ یعقوب ۵: ۱۴). تجربه به من نشان داده که پیروی از رسم عهد جدید در داشتن مشایخ هر چه بیشتر در کلیسای محلی تا حد امکان، بهتر از به کارگیری

## ۹ نشانه کلیسای سالم

فقط یک شبان، سودمند است و این مشایخ باید از میان جماعت کلیسا ریشه گرفته باشند. این عملکرد در میان کلیساهای امروزی باپتیست معمول نیست، اما تمایل به انجام آن به دلایل خوبی رو به افزایش است. در کلیساهای عهد جدید وجود مشایخ ضروری بود و امروز نیز لازم است.

**نقش ویژه شبان -** موضوع مورد بحث در بالا به معنای آن نیست که شبان هیچگونه نقش ویژه‌ای ندارد. در عهد جدید اشاره‌های زیادی به موعظه و واعظانی شده است که در مورد مشایخ جماعت کلیسایی کاربرد ندارد. بدین گونه که پولس در قرن‌تس چنان خود را به موعظه سپرد که مشایخ کلیسا امکان انجام آن را نداشتند (اعمال ۱۸: ۵؛ همچنین در ۱ قرن‌تس ۹: ۱۴؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۳؛ ۵: ۱۷). به نظر می‌رسد واعظان در محدوده‌ای قرار می‌گرفتند که بتوانند به صراحت موعظه کنند (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۵)، در حالیکه گویی مشایخ بخشی از جمع کلیسایی را تشکیل می‌دادند (تیطس ۱: ۵). (شرح بیشتر این ویژگی را می‌توانید در کتاب *A Display of God's Glory*، نشر CCR: ۲۰۰۱ مطالعه کنید).

**مزایای تعدد مشایخ -** اما باید به خاطر داشت که واعظ یا شبان، اصولاً یکی از مشایخ جماعت کلیسای خود است. این بدان معناست که تصمیمات مربوط به کلیسا که مستلزم جلب آرای عموم اعضای کلیسا نمی‌باشد، نه تنها وظیفه شبان، بلکه وظیفه تمامی اعضای هیئت شبانی است. هرچند این امر گاهی باعث زحمت است، اما مزایای بسیار زیادی در جمع‌بندی عطایای شبان، جبران برخی از نقصهای او، همراهی با او در قضاوت و جلب پشتیبانی جماعت کلیسا در اتخاذ تصمیمات دارد که رهبری کلیسا را کمتر در مظان اتهام و انتقادات ناعادلانه قرار می‌دهد. این موضوع به ریشه‌دارتر شدن و تداوم رهبری کمک می‌کند و باعث پیوستگی و بلوغ بیشتری می‌گردد. کلیسا نیز تشویق به تقبل مسئولیت بیشتر برای روحانیت خود می‌شود و کمتر به کارکنان خود وابسته می‌ماند.

## ۹ نشانه کلیسای سالم

**اشتباه گرفتن جایگاه مشایخ و شماسان -** بسیاری از کلیساهای امروزی جایگاه مشایخ را با کارکنان کلیسا و یا با شماسان اشتباه می‌گیرند. شماسان نیز جایگاهی در عهد جدید دارند که از اعمال ۶ ریشه می‌گیرد. درحین اینکه قایل شدن تمایز مطلق میان این دو مسئولیت کار مشکلی است، کارکرد شماسان، انجام امور عملی روزمره کلیسا مانند: مدیریت، تعمیرات و نیز رسیدگی به نیازهای جسمانی اعضای کلیساست. در بسیاری از کلیساهای امروزی، شماسان برخی نقشهای روحانی را نیز برعهده گرفته‌اند؛ اما مسئولیت اکثر اینگونه موارد به شبان کلیسا محول می‌شود. به نفع کلیساست که بار دیگر تمایزی میان نقش شیخ و شماس قائل گردد.

سمت کتاب مقدسی من به عنوان یک شبان، شیخ بودن است، بدین معنا که من شیخی هستم که مسئولیت اصلی‌اش موعظه کردن می‌باشد. اما تمامی مشایخ باید در تعلیم کلیسا با همدیگر همکاری کنند، به طور مرتب جلسات دعا و بحث بگذارند و در این میان توصیه‌های لازم را به شماسان و کلیسا عرضه نمایند. این کارها آشکارا خط مشی کتاب مقدسی است و ارزشی عملی دارد. اگر کارهای ذکر شده در بالا در کلیساهای ما به اجرا درآید، کمک بسیار زیادی به شبانان می‌کند، بار زیادی را از دوششان برمی‌دارد و حتی از شکایتهای کوچک کلیسا نیز می‌کاهد. به کارگیری اعضای غیرکارمند کلیسا که خداترس، فهمیده و قابل اعتماد هستند به عنوان مشایخ کلیسا، به واقع یکی دیگر از نشانه‌های یک کلیسای سالم است.

## پرسش‌هایی برای تعمق بیشتر

۱. متی ۱۸: ۱۵-۱۷ را مطالعه کنید. عیسی، کدام مرجع نهایی را برای قضاوت در مورد برادر خطاکار به رسمیت می‌شناسد؟ اکنون اعمال ۶: ۱-۴ را مطالعه کنید. رسولان کدام مرجع را مسئول انتخاب هفت شماس می‌کنند؟ همچنین ۲ قرن‌تیان ۲: ۶ را

## ۹ نشانه کلیسای سالم

- بخوانید. چه مرجعی برای این مرد مجازات تعیین کرده بود؟ بر اساس این متون، مرجع نهایی در موارد مربوط به کلیسا کیست؟
۲. تیطس ۱: ۵ را مطالعه کنید. با درک این موضوع که مرجع نهایی در کلیسا، مجمع اعضای کلیساست، به نظر شما چرا پولس باز هم فکر می‌کرد وجود مشایخ در هر کلیسا، عاقلانه است؟
۳. در ۱ تیموتائوس ۳: ۱-۶، پولس فهرستی از ویژگیهای یک شیخ را عرضه می‌کند. کمی درباره این ویژگیهای شخصیتی و دلیل اهمیت آنها برای رهبران کلیسا، تأمل کنید. در کلیسای شما چه کسی دارای چنین ویژگیهایی هست؟
۴. اعمال ۶: ۱-۴ را مطالعه کنید. چه تفاوتی میان نقش یک شماس و نقش کسی که ناظر بر امور کلیساست، وجود دارد؟ آیا کلیسای شما این تفاوت را در نحوه اداره امور تشخیص داده است؟
۵. از اعمال ۶، چنین می‌آموزیم که وظیفه شماسان مراقبت از نیازهای جسمانی اعضای کلیساست، تا ناظران کلیسا (رسولان، مشایخ، شبانان) بتوانند به دعا و خدمت کلام پردازند. برخی از نیازهای جسمانی کلیسای شما که شماسان می‌توانند به آنها رسیدگی کنند، کدامند؟ شماسان چه نقشهای دیگری در نگهداری یگانگی در کلیسا یا پشتیبانی از خدمت کلام خدا در کلیسای شما می‌توانند ایفا کنند؟

## ختم کلام

هنگامی که ما به درستی فرض را بر این می‌گیریم که اعضای کلیسا تولد تازه یافته‌اند، و کسانی که تولد تازه یافته‌اند خود را به کلیسا وقف کرده‌اند، آنگاه تصاویر عهد جدید از کلیسا می‌تواند به طور زنده در جماعت‌های کلیسایی ما نمود یابد. خدا در نیکویی خود ما را دعوت نموده تا با همدیگر زندگی مسیحی را طی کنیم، و محبت و علاقمندی متقابل ما بازتابی از محبت و علاقه خدا باشد. ایجاد ارتباط در این دنیا به منزله متعهد شدن است، و کلیسا نیز از این قائده مستثنا نیست.

خدا در فرمان سوم (خروج ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱) به قوم خود هشدار می‌دهد که نام او را به باطل بر زبان نیاورند. این فرمان گذشته از کفرگویی یا بی‌حرمتی به مقدسات، کاربرد نام خدا را به طور پوچ و بی‌معنا و یا برای مقاصد نادرست، ممنوع می‌سازد.

فرمان سوم برای ما که در کلیسا هستیم نیز کاربرد دارد. بسیاری از کلیساهای امروزی بیمار هستند. ما نفع شخصی را به اشتباه، رشد روحانی می‌شماریم. هیجان را اشتباهاً، عبادت و پرستش واقعی می‌پنداریم. پذیرفته شدن بوسیله دنیا را بیش از شیوه زندگی‌ای که موجب اعتراض و خصومت دنیا می‌شود، پرارزش می‌شماریم. تعداد بسیار زیادی از کلیساهای امروزی، فارغ از آمار و ارقامشان، گویی نسبت به نشانه‌های کتاب مقدسی که برای یک کلیسای زنده و در حال رشد وجه تمایز قایل می‌شود، توجهی نشان نمی‌دهند.

سلامت کلیسا باید مورد توجه همه مسیحیان، و مخصوصاً کسانی باشد که دعوت رهبری کلیسا را یافته‌اند. کلیساهای ما باید خدا و انجیل پر جلال او را به آفریدگانش نشان دهد. ما باید بوسیله زندگی‌مان او را تمجید کنیم و جلال دهیم. این وظیفه نشان دادن خدا، از یک سو مسئولیتی خطیر، و از سوی دیگر افتخاری والا برای ماست.

## ضمیمه

### نمونهٔ عهدنامهٔ یک کلیسای سالم

اکنون ما، با این اطمینان که توسط فیض الهی توبه کرده‌ایم و به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده‌ایم تا خودمان را به خدا تسلیم کنیم، براساس اقرار ایمانمان به نام پدر و پسر و روح-القدس تعمیم گرفته‌ایم، با توکل به کمک فیض‌آمیز خداوند، رسماً و با شادی عهدمان را با همدیگر تجدید می‌کنیم تا:

برای رسیدن به یگانگی در روح در میثاق صلح بکوشیم و دعا کنیم.

به عنوان اعضای کلیسای مسیح، با محبت برادرانه در کنار همدیگر قدم برداریم؛ با هشیاری و علاقه‌ای محبت‌آمیز مراقب همدیگر باشیم و وفادارانه در مواقع لازم همدیگر را نصیحت کنیم و ملزم سازیم.

از جمع شدن با همدیگر غافل نشویم و دعا کردن برای خودمان و دیگران را ناچیز نشماریم.

با همت تمام بکوشیم کسانی را که در هر زمان تحت مراقبت ما قرار دارند، تغذیه کنیم و آنها را چنانکه خداوند می‌خواهد راهنمایی نماییم و در زندگی، سرمشق خالص و مهربانی باشیم تا بدینوسیله خانواده و دوستانمان را به نجات مسیح دعوت کنیم.

در شادی همدیگر شادمان باشیم، و با همدردی و ملاحظت در برداشتن بارها و غمهای یکدیگر شراکت نماییم.



## ۹ نشانهٔ کلیسای سالم

به مدد الهی، بکوشیم تا به دقت در این جهان زندگی کنیم، از شهوتها و وسوسه‌های دنیا و بی‌دینان دوری کنیم، و به یاد داشته باشیم که با مدفون شدن و قیام نمادینمان در تعمیدی که داوطلبانه گرفته‌ایم، به طور خاص متعهد شده‌ایم که زندگی جدید و مقدسی را در پیش بگیریم.

با همدیگر برای تداوم خدمت بشارت در این کلیسا در هنگام جلسات عبادت، دستگذاری، انضباط و تعلیم آموزه‌ها، وفاداران مشغول کار و خدمت باشیم. با شادی و به طور مرتب در خدمات کلیسایی، پرداخت هزینه‌های کلیسا، کمک به نیازمندان و گسترش انجیل به تمامی ملت‌ها شراکت نماییم.

تا حدّ امکان، به محض نقل مکان از این کلیسا با کلیسای دیگری متحد شویم تا به انجام مفادّ این عهدنامه و اصول کلام خدا ادامه دهیم.

فیض خداوند عیسی مسیح، محبت خدا، و شراکت روح القدس با همهٔ ما باشد. آمین.